

روی کرد گونه‌محور در حمایت بین‌المللی از تنوع زیستی: حفاظت و

بهره‌برداری از گونه‌های مهاجر در حقوق بین‌الملل

دکتر ابراهیم بیگ‌زاده *

علی کمالی **

چکیده

پدیده‌ی مهاجرت گونه‌های وحشی، سبب شده است که این بخش از تنوع زیستی جهانی، جایگاه متمایزی در میان قواعد بین‌المللی حمایت از محیط‌زیست پیدا کند و وضعیت حقوقی ویژه‌ای داشته باشد. کنوانسیون ۱۹۷۹ بُن درباره‌ی گونه‌های مهاجر و موافقت‌نامه‌ی ۱۹۹۵ ملل متحد درباره‌ی ماهیان دوکاشانه‌ای و مهاجر دور، مهم‌ترین اسناد الزام‌آور بین‌المللی درباره‌ی حفاظت و بهره‌برداری از گونه‌های مهاجر را تشکیل می‌دهند. گونه‌های مهاجر به دلیل جابه‌جایی پی‌درپی و منظم از مرزهای کشورها، نمی‌توانند تحت حاکمیت انحصاری دولت مبدا یا مقصد، یا دولت‌های مسیر مهاجرت قرار گیرند، بلکه با ملاحظه‌ی خصوصیت ویژه و منحصر به فردشان، به جامعه‌ی بین‌المللی تعلق دارند. ماهیت خاص گونه‌های مهاجر، همکاری میان کشورها را به صورت یک قاعده‌ی بنیادین ایجاب کرده است. از این‌رو دولت‌ها مکلفند برای حمایت از آن‌ها از طریق انعقاد موافقت‌نامه‌های خاص یا ایجاد نهادهای بین‌المللی مناسب، قاعده‌ی الزام به همکاری با یکدیگر را نهادینه کنند.

کلید واژگان

حقوق محیط‌زیست، تنوع زیستی، گونه‌ی مهاجر، حقوق بین‌الملل، کنوانسیون ۱۹۷۹ بُن.

* دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

** دانش‌آموخته دکتری حقوق بین‌الملل.

مقدمه

«تنوع زیستی»^۱ مجموعه موجودات زنده، اعم از گیاهان و جانوران، است که از پلانکتون‌های کوچک تا نهنگ‌های بزرگ اقیانوس آرام و درختان گول‌پیکر جنگل‌های پر باران معتدله^۲ را شامل می‌شود. بنابراین همه‌ی موجودات زنده‌ی گونه‌گون روی زمین تنوع زیستی را تشکیل می‌دهند. تنوع زیستی در معنای گسترده‌تر آن، تنوع میان زیستگاه‌ها و اکوسیستم‌ها را هم دربر می‌گیرد.^۳

تنوع زیستی از حیث اکولوژیکی، زیستی، اقتصادی و زیباشناسی برای بشر اهمیت دارد. حیات بشر از آغاز، به موجودات زنده اطرافش وابسته بود و نیازهای اولیه‌ی او از حیات وحش تامین می‌شد. تنوع زیستی پس از شکل‌گیری تمدن‌ها نیز در فرهنگ و هنر بشری نفوذ پیوسته داشت. فرهنگی را نمی‌توان یافت که جانوران و گیاهان، به صورت اسطوره یا واقعیت، در آن جلوه نکرده باشند. انسان از تنوع زیستی هم به صورت مستقیم، با بهره‌برداری از آن منتفع می‌شود و هم به صورت غیرمستقیم، با نقشی که در تعادل اکوسیستم‌ها ایفا می‌کند، از آن سود می‌برد.

دولت‌ها بر منابع طبیعی سرزمین خود حاکمیت دارند و علی‌الاصول منابع طبیعی زنده نیز از آن جمله‌اند. جنگل‌ها، مراتع، تالاب‌ها و دریای سرزمینی به دولت حاکم بر آن‌ها تعلق دارند و بالتبع تنوع زیستی درون آن‌ها هم، متعلق به همان دولت است. اما وضعیت گونه‌های مهاجر که به صورت منظم از کشوری به کشور دیگر در حال سفر هستند،

1. Biological Diversity / Biodiversity.

۲. این جنگل‌ها در نواحی معتدل بارانی می‌رویند و بسیار کمیاب و تماشایی‌اند. درختان این جنگل‌ها بلندتر از هفتاد متر هستند و عمری بیش از چهارصد سال دارند. نمونه‌های آن‌را می‌توان در غرب کانادا و غرب نیوزلند یافت. رک.

بو تکین، دانیل و کلر، ادوارد، شناخت محیط‌زیست: زمین سیاره زنده، ترجمه‌ی عبدالحسین وهاب زاده، جهاد دانشگاهی مشهد، چاپ چهارم، ۱۳۸۶، ص. ۱۷۷.

۳. ماده‌ی ۲ کنوانسیون ۱۹۹۲ تنوع زیستی.

چگونه خواهد بود؟ آیا حمایت‌های عمومی که در حقوق بین‌الملل راجع به دیگر موجودات زنده وجود دارد، درباره‌ی گونه‌های مهاجر کفایت می‌کنند، یا این گونه نیازمند ایجاد قواعد تکمیلی دیگری هستند؟

بی‌تردید حمایت و بهره‌برداری از گونه‌های مهاجر نیازمند همکاری همه‌ی کشورهای مسیر مهاجرت است. در این نوشتار با تبیین این که گونه‌های مهاجر خصلت بین‌المللی دارند و متمایز از دیگر جانوران هستند، تلاش می‌شود ماهیت فرامرزی و جهانی آن‌ها به اثبات رسد و بررسی شود که جامعه‌ی بین‌المللی از حیث حقوقی چه نگرشی نسبت به آن‌ها دارد و چه قواعدی را در جهت حمایت بین‌المللی از آن‌ها و پذیرش ضرورت همکاری میان دولت‌ها وضع کرده است.

۱- روی کردهای مختلف حمایت از تنوع زیستی

توسعه‌ی صنعت و فناوری و رشد ناگهانی جمعیت،^۴ که هر دو پس از انقلاب صنعتی روی دادند، اثرات نامطلوبی بر محیط‌زیست و از جمله‌ی آن، بر تنوع زیستی به جای گذاشته‌اند. افزایش نگرانی دولت‌ها سبب شد که به ابتکار سازمان ملل در ۱۹۷۲ کنفرانسی در استکهلم برگزار شود تا همه‌ی دولت‌ها به یاری هم از تخریب محیط‌زیست جلوگیری کنند. این کنفرانس نخستین گردهمایی دولت‌ها درباره‌ی محیط‌زیست بود و پس از آن به سرعت قواعدی برای حمایت از محیط‌زیست ظاهر شدند. پس از کنفرانس استکهلم، معاهدات متعددی منعقد شدند، به صورتی که امروزه قواعد بسیاری جهت حمایت از محیط‌زیست ایجاد شده و حمایت از آن در روابط بین‌المللی نظام یافته است. قواعد بین‌المللی حمایت از محیط‌زیست، از همان آغاز، در چهار مقوله‌ی جدا، اما هم‌سو و موثر

۴. جمعیت بشر بر روی زمین تا میانه‌ی قرن هیجدهم و پیش از انقلاب صنعتی، کم‌تر از یک میلیارد بود، اما در حال حاضر به شش میلیارد و هشتصد میلیون نفر، افزایش یافته است. رک.

Encyclopedia Britannica, 15th edition, 2005, Vol. 25, p. 1041.

بر هم، شکل گرفت که شامل حفاظت از آب، خاک، هوا و جانداران می‌شود.^۵ بهره‌برداری بیش از اندازه از گیاهان و جانوران به همراه تخریب و آلودگی زیست-گاه‌های آن‌ها، دو عامل اصلی کاهش تنوع زیستی هستند. حفاظت از تنوع زیستی بر اساس رویکردهای مختلفی می‌باشد که در معاهدات حمایت از تنوع زیستی از آن‌ها پیروی می‌شود. می‌توان دو رویکرد کلی را بر شمرد که یکی بر حمایت از گونه و دیگری بر حمایت از اکوسیستم یا زیست‌گاه متمرکز است. هدف رویکرد نخست، حمایت از گونه یا گونه‌های معین است که معمولاً در معرض انقراض قرار دارند و در نتیجه کمیاب محسوب می‌شوند. گونه‌ی کمیاب دارای جمعیت کمی است و اگر از آن حفاظت نشود، ادامه‌ی بقای آن ممکن نخواهد بود و در نهایت منقرض می‌شود.^۶ حیوان یا گیاهی که منقرض شود، برای همیشه از میان رفته است. چیزی نیست که بتوان آن را از نو ساخت.^۷ از این‌رو برخی معاهدات، مانند سایتیس^۸ به‌طور خاص از گونه‌های در معرض انقراض حمایت می‌کنند.

۵. اصل دوم اعلامیه‌ی استکهلم: «باید از منابع طبیعی زمین، شامل هوا، آب، زمین و گیاهان و جانوران و به-ویژه نمونه‌های شاخص اکوسیستم‌های طبیعی با برنامه‌ریزی و مدیریت دقیق، به نفع نسل‌های کنونی و آینده حفاظت شود». واژه‌ی تنوع زیستی پس از انعقاد معاهده‌ی ۱۹۹۲ تنوع زیستی وارد حقوق بین‌الملل شد. پیش از آن از کلماتی مانند «موجودات زنده»، «حیات وحش»، «گیاهان و جانوران» و «منابع طبیعی زنده» استفاده می‌شد؛ هرچند که این واژگان هنوز هم، به کار می‌روند.

۶. یوزپلنگ آسیایی و زاغ بور نمونه‌هایی از گونه‌های بومی و کمیاب ایران هستند.

۷. هر موجود زنده حاصل تکامل چند میلیارد ساله‌ی حیات است. بر اساس کشفیات به دست آمده، حیات در حدود سه میلیارد و هشتصد میلیون سال پیش آغاز شد. گونه‌های مختلف گیاهان و جانوران امروزی که نسبت به جانداران نخستین بسیار پیچیده‌تر هستند، طی این مدت طولانی تکامل یافته‌اند. بنابراین انقراض نسل یک گونه، بازگشت ناپذیر است و ماده‌ای نیست که بتوان مشابه آن را ساخت و جای‌گزین کرد (رک. بوتکین، پیشین، ص. ۶۴۰).

8. Convention on International Trade in Endangered Species (CITES).

روی کرد دوم، که روی کرد جدیدی می‌باشد، بر مراقبت از اکوسیستم‌ها متمرکز است. «اکوسیستم»^۹ نظامی متشکل از تمام موجودات زنده و محیط غیرزنده‌ی اطراف آن- هاست که با یکدیگر در پیوند و کنش متقابل قرار دارند.^{۱۰} اکوسیستم ممکن است ترکیب ساده‌ای داشته باشد که فقط چند جاندار را در محیط کوچکی، مانند یک چشمه‌ی آب گرم، در برگیرد، یا شامل مجموعه‌ی پیچیده‌ای از گیاهان و جانوران گوناگون باشد که در یک محیط بزرگ، مانند جنگل و تالاب، به دور هم گرد آمده‌اند.^{۱۱} شمار اندکی از معاهدات را می‌توان یافت که موضوع آن با پیروی از روی کرد اکوسیستم محور، حمایت از تنوع زیستی باشد.^{۱۲} از این رو معمولاً روی کرد اکوسیستمی جای خود را به روی کرد قدیمی یعنی ایجاد منطقه‌ی حمایت شده^{۱۳} می‌دهد. البته در ترسیم حدود منطقه‌ی حمایت شده، سعی می‌گردد، تا حد امکان با رعایت مرزهای اکوسیستم‌ها، به صورتی عمل شود

۹. کوتاه شده‌ی «اکولوژیکال سیستم» است که گاهی به جای آن، بومگان یا بوم‌سازگان هم به کار می‌رود.
10. Park, Chris, Oxford Dictionary of Environment and Conservation, Oxford University Press, 1st, 2007. , p. 139.

۱۱. اکوسیستم‌های بزرگ را بیوم (Biome) می‌نامند. شناخت بیوم‌های عمده از نظر برنامه‌ریزی برای حل مشکلات زیست‌محیطی آن‌ها، حایز اهمیت است. بیوم‌های عمده‌ی خشکی شامل توندرا، تایگا، جنگل‌های معتدله، جنگل‌های پرباران معتدله، چمن‌زارهای معتدله، جنگل‌های پرباران استوایی، جنگل‌های فصلی استوایی، کویر، تالاب و آب شیرین می‌شود (بوتکین، پیشین، ص. ۱۷۶). نکته‌ی جالب توجه این است که تنوع زیستی از قطب به سمت استوا غنی‌تر و شمار گونه‌ها بیش‌تر می‌شود (ویلسون، ادوارد، تنوع حیات، ترجمه‌ی عبدالحسین وهاب‌زاده، انتشارات جهاد دانشگاهی، مشهد، چاپ یکم، ۱۳۸۴، ص. ۲۲۵). در جدیدترین دسته‌بندی بیوم‌ها که توسط گروهی از دانشمندان در صندوق جهانی حیات وحش (WWF) به- عمل آمده است، بیوم‌ها به چهارده دسته‌ی مختلف تقسیم شده‌اند. برای توضیح بیش‌تر رک.

"Terrestrial Ecoregions of the World: A New Map of Life on Earth", available at: <http://www.worldwildlife.org/science/ecoregions/item1847.html/march 2010-03-20>.

۱۲. دولت‌ها به‌موجب کنوانسیون ۱۹۷۱ رامسر پذیرفته‌اند که از اکوسیستم تالاب‌ها حمایت کنند. کنوانسیون رامسر تنها معاهده‌ی بین‌المللی می‌باشد که موضوع آن حمایت از یک اکوسیستم خاص است.

13. Protected Area.

که با محدوده‌ی زندگی گونه‌های کمیاب مطابقت نماید.^{۱۴} از آنجایی که گونه‌های کمیاب در اولویت حمایت یک دولت از تنوع زیستی سرزمینش جای دارند، لذا در اغلب موارد، روی کرد زیست‌گاه محور که کاربردی‌تر است، بر روی کرد اکوسیستمی رجحان پیدا می‌کند. یک بخش از موضوع کنوانسیون ۱۹۷۲ میراث فرهنگی و طبیعی جهان،^{۱۵} حمایت از مناطق طبیعی ارزشمند جهانی است که علاوه بر زیبایی منحصر به فرد آن، زیست‌گاه گونه‌های کمیاب و در معرض انقراض می‌باشد.^{۱۶}

در این میان، وجود پدیده‌ی شگفت‌انگیز «مهاجرت»^{۱۷} در بین برخی گونه‌های جانوری، سبب شده است که روی کرد گونه‌محور خاصی برای حمایت از این دسته از تنوع زیستی جهانی شکل گیرد. دلیل آن‌هم روشن است؛ مهاجرت گونه‌های مهاجر مستلزم عبور از سرزمین‌های کشورهای مختلف است که در نتیجه‌ی آن، حاکمیت دولت‌های مختلف با یکدیگر تعارض پیدا می‌کند. بنابراین وضعیت گونه‌های مهاجر با وضعیت گونه‌هایی که هیچ وقت از سرزمین یک کشور خارج نمی‌شوند، بسیار متفاوت است. حمایت و بهره‌برداری از این گروه از جانوران، چالش‌هایی را در روابط بین‌المللی ایجاد می‌کند که نیازمند وضع قواعدی خاص است.

۱۴. مانند پارک ملی کویر در جنوب غربی استان سمنان که زیست‌گاه گونه‌های نادری مانند یوزپلنگ و گورخر ایرانی است.

15. Convention for the Protection of the World Cultural and Natural Heritage (Paris, 1972).

۱۶. ماده‌ی ۲ کنوانسیون میراث طبیعی و فرهنگی جهان. این کنوانسیون در دسامبر ۱۹۷۵ قدرت اجرایی پیدا کرد. شمار دولت‌هایی که تا به امروز آن را به تصویب رسانیدند، به یکصد و هشتاد و شش رسیده است. ایران نیز کنوانسیون را در دی‌ماه ۱۳۵۳ تصویب نمود. این کنوانسیون دارای ۳۸ ماده است. تاکنون بر اساس این معاهده نزدیک به یکصد و هشتاد اثر طبیعی به‌عنوان میراث طبیعی جهانی در یونسکو ثبت شده است. ایران نه اثر تاریخی را به ثبت رسانده، اما هیچ اثر طبیعی به نام ایران به ثبت نرسیده است.

17. Migration.

جابه‌جایی فصلی جانوران که به‌طور پیوسته در هر سال تکرار می‌شود، معنای مهاجرت یا کوچ در گونه‌های مهاجر است.^{۱۸} پدیده‌ی مهاجرت، واکنشی است که موجود زنده در مقابل تغییرات شرایط از خود نشان می‌دهد. گونه‌های وحشی عمدتاً برای یافتن غذا، اقدام به مهاجرت می‌کنند.^{۱۹} پرندگان که بی‌نیاز از به همراه داشتن گذرنامه از مرزهای کشورها عبور می‌کنند؛ یا ماهیانی که بی‌توجه به تقسیم‌بندی‌های کنوانسیون ۱۹۸۲ مونتگویی، در میان مناطق دریایی، در آمد و شد هستند.^{۲۰}

پرندگان مهاجر، صدها و گاهی هزاران کیلومتر را می‌پیمایند و در این مسیر راه را گم نمی‌کنند. برخی از آن‌ها شب‌ها هم از حرکت باز نمی‌ایستند.^{۲۱} در طول مسیر ناچارند، دشواری‌های طبیعی بسیاری را پشت سر بگذارند. به‌طور مثال، مشاهده شده گونه‌ای از غازها،^{۲۲} که زیست‌گاهشان در آسیای مرکزی است، در مسیر مهاجرت با رشته کوه‌های

۱۸. جابه‌جایی فصلی در میان جوامع انسانی نیز از دیرباز و هماهنگ با طبیعت، در مناطقی از زمین که تغییر فصول را به خود می‌دید، متداول بود. هنوز هم در ایران، عشایر منطقه‌ی زاگرس، با بیلاق و قشلاق زندگی را در سفر مداوم طی می‌کنند.

۱۹. منصوری، جمشید، کلیات پرند شناسی، سازمان حفاظت محیط‌زیست، انتشارات سازمان حفاظت محیط‌زیست، چاپ نخست، ۱۳۶۹، ص. ۸۹.

۲۰. ایران، کشوری است که در مسیر مهاجرت گونه‌های مختلف به‌ویژه پرندگان قرار دارد. همه ساله پرندگان زیادی که بیش‌تر در گروه مرغابی‌سانان قرار می‌گیرند، از سرزمین‌های شمالی برای گذران زمستان به ایران می‌آیند، و غالباً در تالاب‌ها و دریاچه‌های داخلی پناه می‌گیرند. در بهار و تابستان نیز، ایران میزبان گونه‌های دیگری از پرندگان و حیوانات است که برای زادآوری به این‌جا مهاجرت می‌کنند.

۲۱. غازهای برنت (Brent Geese) در دسته‌هایی به شکل حرف وی انگلیسی، اغلب در شب‌ها، مسیر مهاجرت را طی می‌کنند. رک.

Vagg, Robert, CMS Family Guide, Species, United Nations Environment Programme (UNEP) and the Secretariat of the Convention on the Conservation of Migratory Species of Wild Animals (CMS), Third edition, 2009, p. 18.

22. Bar-Headed Geese. Look at: A BIRD's EYE VIEW on Flyways: A brief tour by the Convention on the Conservation of Migratory Species of Wild Animals, UNEP / CMS Secretariat, 2009, p. 18.

همالایا روبه‌رو می‌شوند و ناچارند برای عبور از فراز آن سختی زیادی را تحمل کنند، تا بتوانند این دیوار بلند طبیعی هشت هزار متری را پشت سر گذارند.^{۲۳}

مهاجرت در میان گونه‌های جانوری دریایی، در قیاس با گونه‌های خشکی‌زی، بیش‌تر متداول است.^{۲۴} غالب گونه‌های دریایی عادت به مهاجرت دارند و برخی از آن‌ها مسافت‌های بسیار طولانی را در دریا طی می‌کنند. نهنگ، کوسه، تون، ماهی آزاد، لاک‌پشت دریایی و شماری دیگر از آبزیان، در زمره‌ی گونه‌های مهاجر دریایی هستند. برخی از گونه‌های ماهی تون، ماه‌ها مهاجرت می‌کنند و گاهی هزاران کیلومتر از اقیانوس را می‌پیمایند.^{۲۵}

قواعد و مقررات راجع به حفاظت از گونه‌های مهاجر در برخی معاهدات بین‌المللی حمایت از تنوع زیستی وضع شده‌اند، اما معاهده‌ی اصلی و مختص این گروه از جانوران،

۲۳. رکورد دورترین پرواز مهاجرتی در دنیا را، معمولاً متعلق به پرستوهای دریایی قطبی می‌دانند. این گونه‌ی مهاجر تقریباً از حوالی قطب شمال به اطراف قطب جنوب پرواز می‌کند و سفر آن در واقع پیمودن مسیری به طول ۳۰،۰۰۰ کیلومتر است. در ایران، رکورد مسافت در مهاجرت از آن چهارگونه‌ی مختلف شامل تلیله‌ی کوچک، تلیله‌ی بلوطی، آبجلیک شکیل و گیلانشاه‌حنایی است، که همگی تقریباً در منتهی‌الیه جنوبی کشور آفریقای جنوبی حلقه‌گذاری و در ساحل دریای خزر شکار شده‌اند. فاصله‌ی مستقیم چنین پروازی نزدیک به ۹۰۰۰ کیلومتر است و باید در نظر گرفت که گونه‌های مذکور، مهاجرت خود را تا سبیری شمالی ادامه می‌دهند؛ به عبارت دیگر، در موقع شکار حدود ۵۰۰۰ کیلومتر از مسیر آن‌ها تا مقصد، باقی مانده بود. بنابراین رفت و برگشت سالانه‌ی این پرنده، در مجموع حدود ۲۸۰۰۰ کیلومتر می‌شود (فیروز، اسکندر، حیات وحش ایران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ یکم، ۱۳۷۸، ص. ۲۱۳)

24. Tanaka, Yoshifumi, A Dual Approach to Ocean Governance The Cases of Zonal and Integrated Management in International Law of the Sea, Ashgate Publishing Limited, 1st edition 2008, p. 7

۲۵. پنج گونه از ماهیان تون بیش از بقیه‌ی گونه‌های تون ارزش تجاری دارند که شامل آلباکور، چشم بزرگ، اسکپ جک، باله آبی و باله زرد می‌شود. این پنج گونه بیش‌تر در اقیانوس اطلس و آرام شرقی یافت می‌شوند. تقریباً هفتاد درصد صید جهانی در اقیانوس آرام انجام می‌شود. رک.

Wang, James C.F., Handbook of Ocean Politics and Law, Greenwood Press, 1992. p. 164.

«کنوانسیون ۱۹۷۹ حفاظت از گونه‌های مهاجر جانوران وحشی»^{۲۶} می‌باشد.^{۲۷} موضوع این معاهده حمایت از گونه‌های مهاجر خشکی‌زی و معدودی گونه‌های دریایی است. «موافقت‌نامه‌ی اجرای مقررات مربوط به حفاظت و مدیریت ذخایر ماهی‌های دوکاشانه‌ای و مهاجر دور در کنوانسیون ۱۹۸۲ ملل متحد درباره‌ی حقوق دریا»^{۲۸} نیز به‌طور خاص درباره‌ی حمایت از گونه‌های دریایی مهاجر تنظیم شده است.^{۲۹} مقررات پراکنده‌ای نیز درباره‌ی حمایت از گونه‌های مهاجر در برخی از معاهدات دیگر آمده است که به آن‌ها اشاره خواهد شد.

۲- حمایت از گونه‌ی مهاجر در چارچوب کنوانسیون بُن

توصیه‌ی شماره‌ی ۳۲ طرح اقدام کنفرانس ۱۹۷۲/ستکهلم، خطاب به دولت‌ها اعلام می‌داشت «ضرورت دارد معاهده‌ای بین‌المللی برای حفاظت از گونه‌هایی که از کشوری به

26. Conservation of Migratory Species of Wild Animals (Bonn, 1979).

۲۷. کنوانسیون حفاظت از گونه‌های وحشی مهاجر در ژوئن ۱۹۷۹ در بُن امضا و در نوامبر ۱۹۸۳ اجرایی شد. یکصد و چهارده دولت تا ژوئیه ۲۰۱۰ به آن پیوسته‌اند. دولت ایران کنوانسیون را با تاخیری طولانی، در تیرماه ۱۳۸۶ تصویب کرد و در جایگاه صد و ششمین دولت متعهد قرار گرفت. این کنوانسیون دارای ۲۰ ماده و دو پیوست است. در این نوشتار برای رعایت اختصار، «کنوانسیون بُن» به کار رفته است (مجموعه قوانین ۱۳۸۶، جلد اول، انتشارات روزنامه‌ی رسمی، صص. ۱۱۰ تا ۱۳۸).

28. Agreement for the Implementation of the Provisions of the United Nations Convention on the Law of the Sea of 10 December 1982 Relating to the Conservation and Management of Straddling Fish Stocks and Highly Migratory Fish Stocks (New York, 1995).

۲۹. این موافقت‌نامه در سال ۲۰۰۱ لازم‌الاجرا شد و هفتاد و هفت کشور تا ژوئیه ۲۰۱۰ آن را تصویب کرده‌اند. ایران با وجود این که کنوانسیون مونتگویی را نپذیرفته است اما با تصویب مجلس در مهرماه ۱۳۷۶ به این موافقت‌نامه پیوست. موافقت‌نامه دارای ۵۰ ماده و دو ضمیمه است. در این نوشتار برای رعایت اختصار «موافقت‌نامه‌ی ۱۹۹۵ نیویورک» به کار رفته است (مجموعه قوانین ۱۳۷۶، روزنامه‌ی رسمی، صص. ۶۴۱ تا ۶۷۶).

کشور دیگر مهاجرت می‌کنند، تهیه شود». در سال ۱۹۷۴ جمهوری فدرال آلمان در تهیه‌ی پیش‌نویس اولیه‌ی چنین معاهده‌ای پیش‌قدم شد و آن را به همه‌ی دولت‌ها ارایه کرد.^{۳۰} متن نهایی این پیش‌نویس در ۱۹۷۹ تنظیم و به تایید دولت‌های شرکت‌کننده در کنفرانسی که در بُن (آلمان) تشکیل گردید، رسید. این معاهده تنها سند تعهدآور جهانی درباره‌ی حفاظت از گونه‌های مهاجر، اعم از خشکی و دریایی است.^{۳۱}

هدف کنوانسیون بن انجام اقدامات لازم و مقتضی برای حفاظت گونه‌های مهاجر، به-ویژه آن‌هایی که وضعیت نامطلوبی دارند، می‌باشد. دولت‌ها، جهت دستیابی به این هدف، به صورت انفرادی یا مشترک در حمایت از گونه‌های مهاجر تلاش خواهند کرد.^{۳۲} کنوانسیون بُن در بند «۱-الف» ماده‌ی یک، گونه‌ی مهاجر را چنین تعریف می‌کند: «گونه‌ی مهاجر به تمام یا بخش جغرافیایی جداگانه از جمعیت هر گونه یا زیرگونه‌ی جانوران وحشی، بخش قابل توجهی از جمعیت گونه‌هایی که به صورت دوره‌ای و قابل پیش‌بینی از فراز قلمرو ملی یک یا چند کشور عبور می‌کنند، اطلاق می‌شود». بر اساس این تعریف، گونه‌هایی نیز که مسیر مهاجرت کوتاهی دارند، اما این مسیر در دو یا چند کشور همسایه قرار گرفته است، مشمول کنوانسیون می‌شوند. در برخی مناطق، حیواناتی مانند فیل، گوریل کوهی و پلنگ برفی در چنین وضعیتی قرار گرفته‌اند.

کنوانسیون دارای دو پیوست است. در این پیوست‌ها نام گونه‌هایی که مشمول حمایت کنوانسیون قرار می‌گیرند، درج شده است. پیوست (۱) در برگیرنده‌ی گونه‌هایی است که «در معرض انقراض» هستند.^{۳۳} گونه‌هایی چون پلنگ برفی^{۳۴}، گوریل کوهی^{۳۵}،

۳۰. دکلم، کیبرال و شین، کلیر، حقوق محیط‌زیست، ترجمه‌ی محمدحسن حبیبی، جلد سوم، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۶، ص. ۲۷۹.

31. Sands, Philippe, Principles of International Environmental Law, Cambridge University Press, 2nd edition, 2003, p. 607.

۳۲. بند ۱ ماده‌ی ۲ کنوانسیون بن.

۳۳. بند ۱ ماده‌ی ۳ کنوانسیون بن.

برخی دولتمداران و نهنگ‌ها، لاک‌پشت سبز (دریایی) و شمار دیگری از طبقات مختلف گونه‌های وحشی که با نام عمومی و علمی آورده شده‌اند،^{۳۶} در این پیوست قرار دارند. بر این اساس از دولت‌ها خواسته شده است که از گونه‌های این فهرست به دقت حمایت کنند، زیست‌گاه آن‌ها را تحت مراقبت قرار دهند و در صورت لزوم، وضعیت زیست‌گاه‌های نامناسب را بهبود بخشند، موانع مهاجرت را مرتفع سازند و تمام عواملی که این گونه‌ها را به خطر می‌اندازند، مهار کنند. اقدام دیگری که کشورهای مسیر مهاجرت گونه‌های پیوست (۱)، متعهدند انجام دهند ممنوع کردن شکار و صید آن‌هاست. البته استثنایی نیز وجود دارد. به‌طور مثال، شکار و صید سنتی خاص بومیان یا برای اهداف علمی اجازه داده شده است.^{۳۷} نام هیچ گونه‌ای از پیوست (۱) خارج نمی‌شود مگر این که اثبات شود که از خطر انقراض رهایی یافته است؛ البته تاکنون چنین اتفاقی نیفتاده است.^{۳۸} بنابراین تکلیف اصلی دولت‌ها به‌موجب این معاهده، ممنوع کردن شکار و صید آن‌ها در تمام مسیر مهاجرت و مراقبت از زیست‌گاه آن‌هاست. این زیست‌گاه‌ها در مورد پرندگان، شامل تمام نقاطی می‌شوند که گونه‌های مهاجر در آن‌ها به‌طور موقت توقف می‌کنند.

←

۳۴. "Snow Leopard یا Ounce" گونه‌ای از گربه‌سانان رو به انقراض است که در کوه‌های مرتفع آسیای میانه زندگی می‌کند.

Britannica, Vol. 9, p. 12.

۳۵. نود و هشت درصد دی.ان.ای. انسان و گوریل همانند است. این شباهت می‌تواند در تحقیقات علمی و پزشکی راجع به بیماری‌های انسان بسیار مفید باشد. گوریل‌های کوهستان به‌شدت رو به انقراض گذاشتند و از این رو اتحادیه جهانی حفاظت طبیعت این گونه را در وضعیت «به‌شدت در معرض انقراض» فهرست سرخ، قرار داده است. کنوانسیون پن سال ۲۰۰۹ را به نام این گونه‌ی در خطر انقراض نام‌گذاری کرد (The Year of the Gorilla)، تا بدین وسیله توجه جامعه بین‌المللی را به حمایت از آن، بیش‌تر جلب کند. گوریل کوهی در آفریقا یافت می‌شود.

۳۶. برای مطالعه‌ی فهرست کاملی از آن‌ها، رک. مجموعه قوانین سال ۱۳۸۶، پیشین، ص. ۱۲۳.

۳۷. بند ۵ ماده‌ی ۳ کنوانسیون بن.

38. Vagg, op.cit., p. 8.

زیست‌گاه‌های مسیر مهاجرت به‌مثابه کاروان‌سراهایی هستند که پرندگان در طول سفر، مدتی در آن‌ها می‌مانند و پس از تجدید قوا به سفر ادامه داده تا در نهایت به مقصد برسند. پیوست (۲)، شمار زیادی از گونه‌هایی را فهرست کرده که بیش‌ترین آن‌ها پرندگان هستند. از میان آن‌ها می‌توان به پلیکان خاکستری، مرغ طوفان، هوبره و میش مرغ اشاره داشت. اوزون برون، برخی از انواع نهنگ‌ها و دولفین‌ها، فیل آفریقایی و شاه پروانه نیز در این فهرست دیده می‌شوند.^{۳۹} گونه‌هایی که برای حمایت در این پیوست جای گرفته‌اند، «وضعیت حفاظتی نامطلوبی»^{۴۰} دارند و حفاظت و مدیریت آن‌ها نیازمند همکاری بین‌المللی و انعقاد موافقت‌نامه‌های بین‌المللی خاص است.^{۴۱} در این راستا کنوانسیون، دولت‌هایی را که سرزمین‌شان در مسیر مهاجرت این گروه از حیوانات قرار دارد، تشویق کرده است که با انعقاد «موافقت‌نامه»^{۴۲} تلاش کنند وضعیت را به صورت مطلوب و مناسب درآورند. تجویز انعقاد قراردادهای تکمیلی، شیوهی معمول در کنوانسیون‌های چارچوبی^{۴۳} و بستر ساز است؛ شیوهی که بر اساس آن، یک معاهده بستری را برای انعقاد پروتکل یا قراردادهای مرتبط، فراهم می‌آورد.^{۴۴} از این شیوه به‌خوبی در چارچوب کنوانسیون بن استفاده شده است.^{۴۵}

۳۹. مجموعه قوانین سال ۱۳۸۶، پشن، ص. ۱۲۸.

40. Unfavorable Conservation Status.

۴۱. بند ۱ ماده ۴ کنوانسیون بن (مجموعه قوانین سال ۱۳۸۶).

42. Agreement / Memorandum of Understanding.

43. Framework Conventions.

۴۴. مانند کنوانسیون ۱۹۹۷ حقوق آبراه‌های بین‌المللی مفید برای امور غیرکشتیرانی که انعقاد قرارداد از سوی کشورهای مسیر رودخانه را مجاز شمرده است.

۴۵. تا کنون حدود بیست و پنج موافقت‌نامه امضا شده که آخرین آن‌ها درباره‌ی حمایت از کوسه‌های مهاجر است و در سال ۲۰۱۰ امضا شد. متن این اسناد و دولت‌های متعاقد در سایت کنوانسیون قابل دسترسی است:

http://www.cms.int/publications/agr_sum_sheets.htm 2010-04-20.

در بند دوم و ردیف (و) بند چهارم ماده‌ی ۵ کنوانسیون، به کشورهای غیرعضو معاهده اشاره شده است. بر این اساس دولت‌ها در موافقت‌نامه‌هایی که منعقد می‌کنند اجازه می‌دهند دولت‌های غیرعضو کنوانسیون نیز، به آن موافقت‌نامه‌ها ملحق شوند.^{۴۶} به این ترتیب دولت‌هایی نیز که به هر دلیل طرف کنوانسیون نیستند، می‌توانند طرف موافقت‌نامه‌های حمایت‌کننده از گونه‌های معین شوند، زیرا حفاظت از گونه‌های مهاجر نیازمند همکاری هر دولتی است که آن گونه از قلمرو آبی یا خاکی‌اش عبور می‌کند و متعاهد بودن یا نبودن آن دولت مانعی در راه حصول به این هدف ایجاد نخواهد کرد. بنابراین فراگیر بودن موضوع کنوانسیون به‌درستی از دایره‌ی دولت‌های طرف معاهده بیرون می‌رود و این تاییدی بر وصف بین‌المللی گونه‌های مهاجر است.

همان‌طوری که ملاحظه شد، حمایت از برخی گونه‌های مهاجر مهم، به علت عدم پیوستن دولت‌های غیرعضو، ناقص باقی نمی‌ماند.^{۴۷} به‌طور مثال یادداشت تفاهمی^{۴۸} در ژوئیه‌ی ۱۹۹۳ جهت حمایت از درنای سبیری، میان تمام کشورهای مسیر مهاجرت این پرنده‌ی کمیاب، امضا شد.^{۴۹} یکی از مسیرهای مهاجرت این پرنده، دالانی است که از سبیری تا ایران امتداد می‌یابد.^{۵۰} جالب این‌که، در زمان انعقاد آن، بسیاری از کشورها از

۴۶. ۳۲ کشورهای غیرعضو کنوانسیون، طرف موافقت‌نامه‌های اقماری آن هستند. رک.

http://www.cms.int/about/part_1st.htm 2010-04-20.

۴۷. اگر چه انعقاد موافقت‌نامه، خاص گونه‌های پیوست (۲) می‌باشد اما منعی ندارد که درباره‌ی گونه‌های پیوست (۱) نیز موافقت‌نامه‌ای میان دولت‌های مسیر مهاجرت منعقد شود. هم‌چنان‌که درباره‌ی درنای سبیری که در پیوست (۱) جای دارد قراردادی امضا شده است.

48. Memorandum of Understanding concerning Conservation Measures for the Siberian Crane (*Grus leucogeranus*).

49 http://www.cms.int/species/siberian_crane/sib_bkrd.htm 2010-07-25.

۵۰. دو مسیر دیگر از سبیری آغاز و به چین و هند ختم می‌شوند. زندگی درنای سبیری، در سرزمین‌های دوازده کشوری سپری می‌شود که هر ساله از آن‌ها عبور می‌کند و مدتی را در هر یک از این‌ها می‌گذراند. باید گفت که زیست‌گاه درنای سبیری تمام این کشورها به‌شمار می‌آید. یادداشت تفاهم ۱۹۹۳ در سال

جمله دولت‌های ایران و روسیه طرف کنوانسیون نبین نبودند.^{۵۱} اجرای امور اداری این موافقت‌نامه، هم‌چون سایر موافقت‌نامه‌های مهاجرت، بر عهده‌ی دبیرخانه‌ی کنوانسیون نبین گذاشته شده است. به همین ترتیب کشورهای غیر متعهده‌ی چون امارات متحده‌ی عربی، بحرین و عمان، با امضای یادداشت تفاهم حمایت از لاک‌پشت دریایی،^{۵۲} خود را به حمایت از آن متعهد کرده‌اند. ایران نیز این یادداشت تفاهم را امضا کرده است.^{۵۳} بنابراین تاکنون عدم عضویت دولت‌ها در کنوانسیون، مانعی در حمایت از گونه‌های معین نبوده است.

تعهدات دولت‌ها به حفاظت از گونه‌های مهاجر به موجب کنوانسیون نبین، از خشکی‌ها فراتر می‌رود و دریا را هم در بر می‌گیرد. دولت‌ها مکلفند، از شمار معدودی از گونه‌های دریایی مهاجری که نامشان در پیوست‌های کنوانسیون آمده است، در هر جای دریا اعم از مناطق ملی و دریای آزاد که یافت شوند، حمایت کنند. کشتی دولت صاحب پرچم عضو کنوانسیون، که در خارج از قلمرو ملی به صید مشغول است، باید مقررات کنوانسیون را در

←

۱۹۹۹ مورد بازنگری قرار گرفت. زیست‌گاه و مسیر عبور این گونه‌ی نادر از درناها، کشورهای آذربایجان، ازبکستان، افغانستان، ایران، پاکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، چین، روسیه، قزاقستان، مغولستان، هندوستان و هم‌چنین به صورت اتفاقی ژاپن است.

۵۱. البته ایران بعداً کنوانسیون نبین را تصویب کرد، اما روسیه هنوز به آن نپیوسته است.

52. Memorandum of Understanding on the Conservation and Management of Marine Turtles and their Habitats of the Indian Ocean and South-East Asia (2001).

۵۳. نگاهی به مجموعه موافقت‌نامه‌های همکاری میان کشورهای که در دالان مهاجرت قرار دارند یا زیست‌گاه گونه‌های مهاجر در آن کشور جای دارد، حاکی از آن است که ایران علاوه بر امضای یادداشت تفاهم موضوع حمایت از درنا‌ی سبیری و لاک‌پشت‌های دریایی، به یک یادداشت تفاهم دیگر هم متعهد است. موضوع این سند حمایت از پرنده‌ای به نام گیلانشاه خالدار (گیلانشاه نوک باریک) است که در سال ۱۹۹۴ تنظیم شد.

Memorandum of Understanding concerning Conservation Measures for the Slender-billed Curlew (Numenius tenuirostris).

مورد گونه‌های مهاجر مندرج در فهرست‌ها به اجرا گذارد.^{۵۴} به این ترتیب تعهدات دولت‌ها به سرزمین‌شان محدود نمی‌شود و به آب‌های بین‌المللی نیز تعمیم پیدا می‌کند. از این رو می‌توان گفت که مقررات کنوانسیون درباره‌ی گونه‌ای که از یک کشور به کشور دیگر کوچ می‌کند با گونه‌ای که از یک کشور به مناطق بین‌المللی، مانند جنوبگان یا دریای آزاد، می‌کوچد، وضعیت حقوقی یکسانی دارند و هر دو مورد حمایت جامعه‌ی بین‌المللی هستند. و این نشان می‌دهد که گونه‌های مهاجر وصف بین‌المللی دارند؛ حال این مهاجرت میان دو کشور همسایه باشد^{۵۵}، یا میان آب‌های داخلی یک کشور و دریای آزاد صورت پذیرد.^{۵۶} تمام تلاش دولت‌ها از تنظیم کنوانسیون بن این است که گونه‌های مهاجری که کمیاب هستند و بقای نسل آن‌ها تهدید شده است و گونه‌هایی که وضعیت حفاظتی نامطلوبی دارند، با همکاری کشورها، حفاظت شوند.

دولت‌ها سازوکاری را برای اجرای مقررات کنوانسیون پیش‌بینی کرده‌اند. نهادهایی که بر اساس کنوانسیون ایجاد شده‌اند شامل کنفرانس طرف‌های معاهده، شورای علمی، کمیته‌ی دائمی و دبیرخانه می‌شود. «کنفرانس طرف‌های معاهده»^{۵۷} یا کنفرانس اعضا، که مرکب از همه‌ی کشورهای عضو کنوانسیون است، حرکت در جهت دست‌یابی به اهداف مندرج در آن را هدایت و بر اجرای مقررات آن نظارت می‌کند. کنفرانس اعضا تقریباً هر سه سال یک بار تشکیل جلسه می‌دهد.^{۵۸} کنفرانس اعضا به استناد اختیار مندرج در ماده‌ی

۵۴. بند «۱-ح» ماده‌ی ۱ کنوانسیون بن.

۵۵. مانند گوریل کوهی که در ارتفاعات دو تا چهار هزار متری منطقه‌ای واقع در کشورهای کنگو، اوگاندا و رواندا زندگی می‌کند. رک.

Vagg, op. cit., p. 1.

۵۶. مانند نهنگ‌ها و لاک‌پشت‌های دریایی.

57. Conference of the Parties.

۵۸. تاکنون نه اجلاس برگزار شده است که آخرین آن در سال ۲۰۰۸ در ایتالیا بود. قرار است کنفرانس بعدی در سال ۲۰۱۱ در نروژ تشکیل شود.

۸ کنوانسیون، نهاد «شورای علمی»^{۵۹} را تاسیس کرده است که راهنمایی‌های علمی مختلفی را به دولت‌های متعاقد توصیه می‌کند و به کنفرانس اعضا نیز مشاوره می‌دهد. کنوانسیون دارای «دبیرخانه»^{۶۰} ای مستقر در شهر بُن است. هر سه نهاد گفته شده، از ابتدا، به‌موجب مواد مختلف کنوانسیون پیش‌بینی و معرفی شده‌اند. اما نهاد دیگری با تصمیم کنفرانس اعضا تاسیس شد. با تصمیم کنفرانس در سال ۱۹۸۵ «کمیته‌ی دایمی»^{۶۱} برپا شد. این کمیته با ترکیبی از نمایندگان هر منطقه، رهنمودها و راه‌بردهای لازم را، در دوره‌ی زمانی میان کنفرانس‌ها، ارایه می‌کند.^{۶۲} در واقع به نظر می‌رسد ایجاد نهاد تازه حاصل اختیارات ضمنی است که دولت‌ها از مفاد کنوانسیون در جهت اهداف آن استنباط کرده‌اند.

با توجه به این که گونه‌های مهاجر، در سطح دنیا به‌طور متناوب و پیوسته در حال جابه‌جایی هستند، زمانی حمایت از آن‌ها مثر ثمر خواهد بود که همه‌ی دولت‌ها با یکدیگر همکاری کنند و به صورت منسجم عمل نمایند. برخی کشورها از حیث پرندگان مهاجر اهمیت زیادی دارند؛ مانند روسیه که محل زندگی شمار زیادی از پرندگان آبی /اوراسیا است. اما این دولت تاکنون از پیوستن به کنوانسیون بُن پرهیز کرده است. زیست-گاه شمار زیادی از گونه‌های مهاجر، در کشورهای پهناوری چون آمریکا، کانادا و چین است که در کنار روسیه، کشورهای غیرعضو مهم، از حیث مهاجرت پرندگان را تشکیل می‌دهند. البته آمریکا، روسیه و چین قرارداد حفاظت از مرغ طوفان و آلباتروس^{۶۳} را

59. Scientific Council.

60. UNEP/CMS Secretariat.

61. Standing Committee.

۶۲. سیزده کشور عضو کمیته هستند. از اروپا و آفریقا که بیش‌ترین دولت‌های متعاقد را دارند، هر کدام سه، از آسیا و امریکای لاتین، هر کدام دو و از اقیانوسیه، یک کشور انتخاب می‌شوند. کشور آلمان در مقام امین کنوانسیون، عضویت دایمی دارد. دولت‌های میزبان کنفرانس‌های قبلی و بعدی نیز عضویت خواهند داشت.

63. Agreement on the Conservation of Albatrosses and Petrels (2004).

پذیرفته‌اند.^{۶۴} برخی معتقدند، تا زمانی که دولت‌های مسیرهای مهم مهاجرت، در خارج از نظام کنوانسیون بن باشند، درج نام گونه‌های در معرض خطر در پیوست (۱)، بیش‌تر عملی نمادین خواهد بود.^{۶۵} اما به نظر می‌رسد با توجه به عضویت یکصد و چهارده کشور در کنوانسیون بن و پذیرش موافقت‌نامه‌های اقماری توسط سی و چهار کشور غیر عضو، بتوان به این نتیجه رسید که سه چهارم دولت‌های دنیا بر خصوصیت بین‌المللی گونه‌های مهاجر مهر تایید گذاشته‌اند.

در هر صورت، حمایت از خود گونه‌های مهاجر بدون توجه به نقش گونه‌های وابسته به آن‌ها، اعم از طعمه یا شکارگر، در حفظ حیاتشان و حفاظت از زیست‌گاه‌های آن‌ها چندان موفقیت‌آمیز نخواهد بود؛ زیرا همه‌ی موجودات زنده یک کل به هم پیوسته را تشکیل می‌دهند که گونه‌های مهاجر بخشی از آن هستند.

۳- حمایت از گونه‌ی مهاجر به موجب معاهدات دیگر

در کنار کنوانسیون بن و شبکه‌ی قراردادهای وابسته به آن، تکالیفی در برخی از معاهدات، بر عهده‌ی دولت‌های طرف معاهده درباره‌ی حفاظت از گونه‌های مهاجر قرار داده شده است. در میان کنوانسیون‌های منطقه‌ای «کنوانسیون ۱۹۷۹ برن درباره‌ی حفاظت از زیست‌گاه و حیات وحش اروپا»^{۶۶} به گونه‌ی مهاجر توجه داشته است. به موجب ماده‌ی یک آن، دولت‌های طرف معاهده با همکاری یکدیگر از گونه‌های کمیاب و گونه‌های مهاجر حمایت ویژه به عمل خواهند آورد.^{۶۷} بنابراین گونه‌های مورد حمایت بین‌المللی بر

64. DeSombre, Elizabeth R., Global Environmental Institutions, Routledge, 1st edition, 2006, p. 54.

۶۵. دِکلم، پیشین، ص. ۲۸۳.

66. Convention on the Conservation of European Wildlife and Natural Habitats.

۶۷. ماده‌ی یک کنوانسیون برن: «۱. هدف این معاهده حفاظت از گونه‌های وحشی گیاهی و جانوری و حفاظت از زیست‌گاه‌های آن‌هاست به‌ویژه گونه‌ها و زیست‌گاه‌هایی که حفاظت آن‌ها نیاز به همکاری

اساس این کنوانسیون، دو دسته هستند. یک دسته، گونه‌های غیرمهاجر در معرض انقراض و کمیاب می‌باشند و دسته‌ی دیگر گونه‌های مهاجری هستند که در میان کشورهای اروپایی مهاجرت می‌کنند. این امر حکایت از اهمیت و جایگاه ویژه‌ی گونه‌های مهاجر در میان اشکال مختلف تنوع زیستی دارد.

کنوانسیون ۱۹۷۱ رامسر^{۶۸}، یکی دیگر از معاهداتی می‌باشد که در آن به گونه‌های مهاجر توجه شده است.^{۶۹} موضوع این سند، حفاظت از تالاب‌های مهم بین‌المللی زیست-گاه پرندگان است. در میان اقسام پرندگان، بیش‌ترین بهره از تالاب را، گونه‌های مهاجر آن می‌برند. از همین رو در بند ششم از ماده‌ی ۲ کنوانسیون رامسر مقرر شده است که دولت‌ها در حفاظت و استفاده از «پرندگان مهاجر»^{۷۰} تالاب‌ها، مسئولیت بین‌المللی دارند. در مقدمه‌ی آن نیز اعلام شده است که پرندگان مهاجری که از فراز کشورهای مختلف می‌گذرند، «منبع بین‌المللی»^{۷۱} هستند.

کنوانسیون ۱۹۸۲ مونته‌گویی^{۷۲} نیز به صورت فرعی به گونه‌های مهاجر دریایی توجه نشان داده و مواد ۶۳ و ۶۴ را به این گروه از جانوران، اختصاص داده است.^{۷۳} فهرستی از

←

چندین کشور دارد. ۲. به گونه‌های آسیب‌پذیر و در معرض انقراض و از جمله آن‌ها، به گونه‌های مهاجر آسیب‌پذیر و در معرض انقراض توجه خاص خواهد شد.

68. Convention on Wetlands of International Importance especially as Waterfowl Habitat.

۶۹. کنوانسیون رامسر در فوریه‌ی ۱۹۷۱ امضا و در دسامبر ۱۹۷۵ اجرایی شد. متعاهدین کنوانسیون تا ژوئیه-ی ۲۰۱۰ به یکصد و شصت دولت می‌رسند. ایران نیز با تصویب مجلس شورای ملی و سنا در اسفند ۱۳۵۲ به این معاهده پیوست. این معاهده طی نشست‌هایی در ۱۹۸۲ و ۱۹۸۷ به ترتیب در پاریس و رجینا (کانادا) اصلاح شد. کنوانسیون رامسر دارای ۱۲ ماده است.

70. Migratory Stocks of Waterfowl.

71. International Resource.

۷۲. کنوانسیون حقوق دریا (مونته‌گویی، ۱۹۸۲) در سال ۱۹۹۴ لازم‌الاجرا شد و در حال حاضر یکصد و شصت دولت به آن پیوسته‌اند. ایران آن را امضا، اما هنوز تصویب نکرده است. این کنوانسیون ۳۲۰ ماده و ۹ پیوست دارد.

ماهیان مهاجر در پیوست نخست کنوانسیون آمده است که البته بیش تر آن‌ها را تون ماهیان تشکیل می‌دهند. اما مقررات کنوانسیون مونته‌گوبی با انعقاد موافقت‌نامه‌ی ۱۹۹۵ نیویورک، راجع به حفاظت از ماهی‌های مهاجر دور و دو کاشانه‌ای تکمیل شد.

کنوانسیون مونته‌گوبی به حمایت از تنوع زیستی تصریح ندارد، ولی با استفاده از مفهوم «منابع زنده»^{۷۴} دریایی در عمل مقرراتی را برای حمایت از آن وضع کرده است. اما در بند (چ) ماده‌ی ۵ موافقت‌نامه‌ی ۱۹۹۵ نیویورک به این موضوع توجه و مقرر شده است که دولت‌ها: «در محیط‌زیست دریایی از تنوع زیستی حمایت خواهند کرد». این تکلیف عمومی که شامل همه‌ی گونه‌ها اعم از مهاجر و غیرمهاجر می‌شود، کلیه‌ی اعمال و

←

۷۳. ماده‌ی ۶۳. ذخایر واقع در منطقه‌ی انحصاری اقتصادی دو یا چند کشور ساحلی یا واقع در منطقه‌ی انحصاری اقتصادی و ناحیه‌ای آن سوی این منطقه و در مجاورت آن: «۱. در مواردی که یک ذخیره یا ذخایر گونه‌های وابسته به هم، در مناطق انحصاری اقتصادی دو یا چند کشور ساحلی قرار دارند، این کشورها به‌طور مستقیم یا از طریق سازمان‌های منطقه‌ای یا زیر منطقه‌ای مقتضی، تلاش خواهند کرد که در مورد اقدامات لازم برای هماهنگی و تامین حفاظت و توسعه‌ی این ذخایر، به توافقی دست پیدا کنند، بدون این که به دیگر مقررات این قسمت از کنوانسیون (منطقه‌ی انحصاری اقتصادی) خدشه‌ای وارد شود. ۲. در مواردی که یک ذخیره یا ذخایر گونه‌های وابسته به هم، توأمان در منطقه‌ی انحصاری اقتصادی و ناحیه‌ای آن سوی این منطقه و در مجاورت آن، قرار دارند، کشور ساحلی و کشورهایی که این ذخایر را در آن ناحیه صید می‌کنند، تلاش کنند که درباره‌ی انجام اقدامات ضروری برای حفاظت ذخایر آن ناحیه، به صورت مستقیم یا از طریق سازمان‌های منطقه‌ای یا زیر منطقه‌ای مقتضی، توافقی حاصل شود».

ماده‌ی ۶۴. گونه‌های مهاجر دور: «۱. کشور ساحلی و سایر کشورهایی که اتباعشان در ناحیه‌ای معین گونه‌های بسیار مهاجر (مهاجر دور) فهرست شده در پیوست یکم را صید می‌کنند، لازم است به صورت مستقیم یا از طریق سازمان‌های بین‌المللی مناسب به منظور تامین حفاظت و ارتقای استفاده‌ی مطلوب از آن‌ها، چه در درون منطقه‌ی انحصاری اقتصادی و چه بیرون از آن، با یکدیگر همکاری کنند. دولت ساحلی و دیگر دولت‌هایی که اتباعشان این گونه‌ها را، در مناطقی که سازمان‌های بین‌المللی مناسب وجود ندارند، صید می‌کنند، باید چنین سازمان‌هایی را ایجاد کنند و درباره‌ی آن همکاری نمایند. ۲. مقررات بند یک در مورد سایر مقررات این فصل جاری است».

74. Living Resources.

برنامه‌ریزی‌های دولت‌های طرف موافقت‌نامه را تحت شعاع قرار می‌دهد؛ زیرا این سند علاوه بر حمایت خاص از گونه‌های مهاجر، به حمایت کلی از تنوع زیستی نیز اشاره دارد. مهاجرت گونه‌های دریایی بدون توجه به تقسیم دریا توسط دولت‌ها، به مناطقی چون آب‌های داخلی، دریای سرزمینی، منطقه‌ی انحصاری اقتصادی و دریای آزاد انجام می‌شود. آن‌ها خود را برای رفت و آمد در تمام این مناطق آزاد می‌بینند. دریا یک اکوسیستم به هم پیوسته و منسجم است. ماده‌ی ۷ موافقت‌نامه، گواهی بر یک پارچگی دریا و به هم پیوستگی بیولوژیکی همه‌ی مناطق، اعم از تحت صلاحیت ملی و دریای آزاد است. دولت‌ها بر این اساس متعهد شده‌اند که به این وحدت توجه نمایند و در پرتو آن اقدام کنند.^{۷۵} بنابراین لزوم حمایت از تنوع زیستی، مرزهای دریایی را کم‌رنگ کرده در حالی که در خشکی، هم‌چنان مرزهای میان کشورها پررنگ است.

موافقت‌نامه‌ی ۱۹۹۵ اصولی را برای توسعه‌ی حفاظت از گونه‌های مهاجر وضع کرده است. هدف آن تامین حفاظت بلند مدت و در عین حال استفاده‌ی پایدار از گونه‌های مهاجر است. دولت‌ها بر اساس این موافقت‌نامه متعهدند که از گونه‌های مهاجر، هم در محدوده‌ی صلاحیت ملی خود و هم در بیرون از مناطق ملی، حفاظت کنند.^{۷۶} موثر بودن حمایت از گونه‌ی مهاجر مستلزم حفاظت از زیست‌گاه و حفاظت از گونه‌های دیگری

۷۵. بند دوم ماده‌ی ۷ مقرر می‌دارد: «اقدامات حفاظتی و مدیریتی اتخاذ شده در مورد آب‌های آزاد و اقدامات متخذ در مورد مناطق تحت صلاحیت ملی به منظور تضمین حفظ و مدیریت ذخایر ماهیان مهاجر و دوکاشانه‌ای به‌طور کلی با یکدیگر مطابقت خواهند داشت. در این راستا، کشورهای ساحلی و کشورهایی که در آب‌های آزاد به صید می‌پردازند مسئولیت دارند تا در زمینه‌ی اتخاذ اقدامات هماهنگ در رابطه با ذخایر مذکور همکاری کنند. در راستای تعیین اقدامات حفاظتی و مدیریتی هماهنگ کشورها: ت- وحدت و انسجام زیستی و سایر ویژگی‌های زیستی ذخایر و روابط بین توزیع ذخایر، ویژگی‌های شیلاتی و جغرافیایی منطقه‌ی مورد نظر شامل محدوده‌ای که ذخایر در آن زندگی می‌کنند و در محدوده‌ی مناطق تحت صلاحیت ملی صید می‌شوند را در نظر خواهند گرفت».

۷۶. مواد ۶ و ۷ موافقت‌نامه.

است که به آن‌ها وابستگی دارد. از همین رو موافقت‌نامه مقرر کرده است که فعالیت‌های انسانی مضر به حیات گونه‌ی مهاجر مرتفع شوند و به مراقبت از گونه‌های وابسته توجه شود. دولت‌ها مکلف شده‌اند که فعالیت‌های انسانی موثر بر گونه‌ی مهاجر را ارزیابی کنند و روی کرد احتیاطی^{۷۷} را در حفاظت و مدیریت گونه‌های مهاجر به‌نحو گسترده‌ای به کار بندند.^{۷۸} همان‌طوری که ملاحظه می‌شود، در این موافقت‌نامه از روی کرد اکوسیستمی نیز بهره گرفته شده است.

دولت‌ها بر اساس موافقت‌نامه‌ی ۱۹۹۵ مکلف شده‌اند که با ایجاد کمیسیون‌ها یا سازمان‌های منطقه‌ای یا تقویت سازمان‌های موجود از گونه‌های مهاجر، ماهیانی که میان دریای آزاد و منطقه‌ی انحصاری اقتصادی مهاجرت می‌کنند، حمایت کنند. این سازمان‌ها به «سازمان‌های مدیریت شیلات منطقه‌ای»^{۷۹} معروف هستند. در حال حاضر حدود بیست سازمان تاسیس شده‌اند.^{۸۰} وظایف و اختیارات این کمیسیون‌ها به‌طور قابل ملاحظه‌ای متفاوت است و همین طور میزان موفقیت آن‌ها در فعالیت‌شان، یک‌سان نیست.^{۸۱}

دولت‌های طرف موافقت‌نامه‌ی ۱۹۹۵ متعهد شده‌اند که کمیسیون‌هایی را ایجاد و فعالیت‌های خود را از طریق آن انجام دهند. دولت‌هایی که از عضویت در این کمیسیون امتناع می‌کنند، باز هم مکلفند برای حفاظت از گونه‌های مهاجر با دیگر کشورها همکاری کنند. به عبارت دیگر عدم عضویت، تکلیف همکاری^{۸۲} را ساقط نمی‌کند. به‌موجب ماده‌ی

77. Precautionary Approach.

۷۸. مواد ۵ و ۶ موافقت‌نامه.

79. Regional Fisheries Management Organizations.

۸۰. قدیمی‌ترین آن‌ها کمیسیون شکار نهنگ است که در سال ۱۹۴۶ تاسیس شد.

۸۱. چرچیل، رابین و لو، آلن، حقوق بین‌الملل دریاهای، ترجمه‌ی بهمن آقایی، انتشارات کتابخانه‌ی گنج دانش، چاپ یکم، ۱۳۷۷، ص. ۳۵۶. در این کتاب به‌عنوان نمونه، تجربه‌ی «کمیسیون ماهی‌گیری شمال شرقی اقیانوس اطلس» شرح داده شده است.

82. Obligation to Cooperate.

۱۷، دولت‌هایی که عضو سازمان منطقه‌ای نباشند، هم‌چنان موظف به همکاری در امر حفاظت هستند. برخی از حقوق‌دانان بر این باورند که از مفاد این ماده استنباط می‌شود که شرکت‌کنندگان در کنفرانس تهیه‌ی موافقت‌نامه، پذیرفته‌اند که اصل همکاری در امر حفاظت از ذخایر ماهی‌های دوکاشانه‌ای و مهاجر دور که در این موافقت‌نامه درج شده است، تدوین حقوق عرفی بوده و دول غیرعضو را نیز متعهد می‌نماید.^{۸۳} کنوانسیون بن دولت‌های عضو را ترغیب و تشویق می‌کرد که درباره‌ی حفاظت از برخی گونه‌های مهاجر با یکدیگر قراردادهایی منعقد نمایند. اما موافقت‌نامه‌ی ۱۹۹۵ دولت‌ها را ترغیب و تشویق می‌کند که نهادهای منطقه‌ای را برای رسیدن به این مقصود تاسیس نمایند. وجه اشتراک هر دو ایجاد بستری برای همکاری منطقه‌ای کشورهایی است که گونه‌ی مهاجر در قلمرو صلاحیت آن‌ها یافت می‌شود.

نمی‌توان بدون توجه به کنوانسیون ۱۹۹۲ ريو درباره‌ی تنوع زیستی،^{۸۴} بررسی معاهدات را پایان برد. کنوانسیون ۱۹۹۲ تنوع زیستی، که فراگیرترین معاهده درباره‌ی حمایت از گونه‌های جانوری و گیاهی است، به‌طور خاص و مشخص به حمایت از گونه‌ی مهاجر نمی‌پردازد، زیرا این معاهده بر آن است که از همه‌ی اشکال حیات صرف نظر از نقش و اهمیت آن‌ها یا خصوصیاتشان، حمایت کند. معذک دولت‌ها به‌موجب بند الف ماده‌ی ۷ متعهدند که گونه‌های مهم را شناسایی و از آن‌ها حفاظت کنند. شاخص‌های اهمیت گونه‌ها در پیوست نخست کنوانسیون بر شمرده شده‌اند. زیست‌گاه‌های گونه‌های

۸۳. امیر ارجمند، اردشیر، «کنفرانس ملل متحد راجع به ذخایر ماهی‌های دوکاشانه‌ای و ماهی‌های مهاجر دور و موافقت‌نامه‌ی اوت ۱۹۹۵»، مجله‌ی تحقیقات حقوقی، شماره‌ی ۱۶ و ۱۷، سال ۱۳۷۵، ص. ۵۴۱.

۸۴. "Convention On Biological Diversity (Rio de Janeiro, 1992)" در حال حاضر به غیر از دولت آمریکا از سوی همه‌ی کشورها تصویب شده است. ایران نیز، با تصویب مجلس در خرداد ۱۳۷۵، به جمع دولت‌های متعهد کنوانسیون پیوست. کنوانسیون دارای ۴۲ ماده و دو پیوست لاینفک می‌باشد. پیوست نخست درباره‌ی شناسایی و نظارت و پیوست دوم درباره‌ی داوری و سازش است.

مهاجر،^{۸۵} بر اساس بند ۱ پیوست، از جمله‌ی آن‌هاست. اگر چه گونه‌ی مهاجر در میان گونه‌های مهم ذکر شده در بند ۲ قرار نگرفته است،^{۸۶} اما از ضرورت تکلیف حفظ و نگهداری زیست‌گاه آن، می‌توان دریافت که هدف، حمایت از گونه‌ی مهاجر است. زیرا زیستگاه عاری از حیات جانوری ارزشی ندارد. پس می‌توان نتیجه گرفت که بر اساس بند الف ماده‌ی ۷ ناظر بر پیوست نخست کنوانسیون ريو، دولت‌ها مکلف به حفاظت از گونه‌های مهاجر هستند.

گونه‌های مهاجر در «کنفرانس اعضای کنوانسیون تنوع زیستی»^{۸۷} نیز مورد توجه بوده‌اند. کنفرانس اعضا در سال ۲۰۰۴ از دولت‌ها خواسته است با یکدیگر همکاری کنند تا این گروه از جانوران، در جریان مهاجرت با تهدیدهای کم‌تری روبه‌رو شوند. بر اساس این تصمیم، لازم است که دولت‌ها با ایجاد «دالان اکولوژیکی»^{۸۸} نیازهای گونه‌های مهاجر را تامین نمایند.^{۸۹} این تصمیم به موضوع مهمی اشاره دارد. در واقع، ممکن است که گونه‌های مهاجر در زیست‌گاه خود به‌خوبی حفاظت شوند، اما در مسیر مهاجرتشان که دالان‌های مشخصی را شامل می‌شود، از حمایت‌های لازم بهره‌مند نشوند.

قوانین ملی برخی از کشورها درباره‌ی حفاظت از حیات وحش، به گونه‌های مهاجر توجه خاص داشته‌اند. به‌طور مثال در قانون حمایت از عقاب طلایی و عقاب سرسفید آمریکا^{۹۰} و قانون حفاظت از محیط‌زیست و تنوع زیستی استرالیا^{۹۱} از گونه‌های مهاجر

85. Habitats Required by Migratory Species.

۸۶. به‌موجب بند ۲ پیوست، گونه‌های تهدید شده (در معرض انقراض)، اجداد وحشی حیوانات اهلی و جانورانی که برای امور پزشکی و دارویی مفید هستند، در زمره‌ی گونه‌های مهم قلمداد شده‌اند.

87. Conference of the Parties of the Convention on Biological Diversity.

88. Ecological Corridors.

89. Secretariat of the Convention on Biological Diversity, Handbook of the Convention on Biological Diversity, 3rd 2005, p. 128.

90. Bald Eagle and Golden Eagle Protection Act (1940).

حمایت شده است.^{۹۲} هم‌چنین در پی انعقاد معاهده‌ی حمایت از پرندگان مهاجر^{۹۳} میان آمریکا و کانادا، قوانینی در هر دو کشور وضع شدند. اما در ایران قانون خاصی درباره‌ی حمایت از گونه‌های مهاجر وجود ندارد. قانون‌گذار فقط در یک جا به گونه‌ی مهاجر توجه نشان داده است. قانون شکار و صید، مصوب ۱۳۴۶ اصلاحی ۱۳۵۳، در ماده‌ی ۶، وظایف سازمان محیط‌زیست را تشریح می‌کند. در آخرین بند این ماده، از جمله‌ی این وظایف، «همکاری با سازمان‌های مشابه خارجی و بین‌المللی به منظور حفظ و حمایت جانوران وحشی و مهاجر در حدود تعهدات متقابل» است.^{۹۴} در قوانین ایران، بیش از این ذکری از گونه‌ی مهاجر به میان نیامده است و از آن به صورت ویژه و مستقل حمایت نشده است. معذلتك ممكن است گونه‌ی مهاجری به دلیل در معرض انقراض بودن مورد حمایت قرار گیرد، که در این صورت خصوصیت کمیاب بودن، و نه مهاجر بودن، دلیل حمایت از آن شده است.^{۹۵}

نکته‌ای که در پایان قابل ذکر به نظر می‌رسد، مهاجرت در درون یک کشور است. گونه‌ی مهاجر، همان‌طوری که در ماده‌ی ۱ کنوانسیون^{۹۶} مقرر شده، گونه‌ای است که مرزهای سیاسی را در می‌نوردد و از کشوری به کشور دیگر عبور می‌کند. بنابراین

←

91. Environment Protection and Biodiversity Conservation Act, 1999.

۹۲. شلتون، دینا و کیس، الکساندر، کتابچه قضایی حقوق محیط‌زیست، ترجمه و تحقیق محسن عبدالهی، انتشارات خرسندی، چاپ یکم، ۱۳۸۹، ص. ۲۱۹.

93. Convention Between the United Kingdom and the United States of America for the Protection of Migratory Birds in Canada and the United States (Washington, 1916).

۹۴. مجموعه قوانین حفاظت محیط‌زیست، انتشارات سازمان حفاظت محیط‌زیست، ۱۳۸۲.

۹۵. شورای عالی حفاظت محیط‌زیست بر اساس ماده‌ی ۳ قانون شکار و صید، شماری از گونه‌ها را حمایت شده و در نتیجه شکار آن‌ها را ممنوع اعلام کرده است. در میان آن‌ها گونه‌های مهاجری مانند درنا، فلامینگو، پلیکان، اردک مرمری و عروس غاز قرار دارند. رک. مجموعه قوانین و مقررات حفاظت محیط‌زیست، پیشین.

گونه‌هایی که در داخل مرزهای یک کشور، از نقطه‌ای به نقطه‌ای دیگر در سرزمین همان کشور مهاجرت می‌کنند، از شمول کنوانسیون خارج هستند. به نظر می‌رسد عدم ورود کنوانسیون به این موضوع بدیهی باشد، زیرا هرچند به‌طور مثال، شماری از پرنندگان زیست‌گاه‌های طبیعی خود را تغییر می‌دهند و در زمستان از شمال به جنوب ایران مهاجرت می‌کنند، اما همگی تحت حاکمیت یک دولت هستند و تصمیم‌گیری درباره‌ی حمایت از آن‌ها متمرکز و توسط یک دولت به‌عمل می‌آید و مسئولیت نگهداری از آن‌ها نیز بر عهده‌ی همان دولت است.^{۹۶} این دسته از گونه‌های مهاجر، موضوع حمایت قواعد بین‌المللی حمایت از گونه‌های مهاجر نیستند.

۴- قواعد حاکم بر بهره‌برداری از گونه‌های مهاجر

اختلاف حاکمیت دولت‌ها بر گونه‌های مهاجر یکی از نخستین موضوعات راجع به بهره‌برداری از تنوع زیستی به‌طور اعم و جانوران مهاجر به‌طور اخص می‌باشد که وارد حقوق بین‌الملل شد. قضیه‌ی فوک‌های برینگ، یکی از دعاوی قدیمی راجع به استفاده از منابع طبیعی زنده است که در قرن نوزدهم میان انگلستان و آمریکا مطرح شد. این قضیه نشان می‌دهد که بهره‌برداری از گونه‌های مهاجر چالش بین‌المللی تازه‌ای نیست. موضوع اختلاف به زمانی باز می‌گردد که عرض دریای سرزمینی سه مایل بود و پس از آن دریای آزاد آغاز می‌شد که تحت حاکمیت هیچ دولتی قرار نداشت و به تبع از عقیده‌ی گروسیوس مبنی بر آزادی دولت‌ها در این بخش از دریا، استفاده از منابع آن برای هر

۹۶. اسکندر فیروز می‌نویسد: «به‌طور مثال در میان پستان‌داران ایران مهاجرت‌های چشم‌گیری وجود نداشته است. مثلاً ییلاق - قشلاق قوچ و میش، و گاهی کل و بز، ممکن است حداکثر به یکصد کیلومتر برسد. البته صحبت مهاجرت مربوط به گذشته است زیرا در سال‌های اخیر بیش‌تر راه‌های مهاجرت این حیوانات محدود یا مسدود شده است. مسیر آهو و گورخر امکان داشت خیلی طولانی‌تر باشد ولی چون مناطق امن جهت این دو نیز بسیار محدود شده، بالطبع مهاجرت قابل توجهی وجود ندارد». (فیروز، پیشین، ص. ۴۸).

کشوری مجاز بود.^{۹۷} در واقع دعوای دولت‌های آمریکا و انگلستان ناشی از تقابل اصل حاکمیت دولت ساحلی بر منابع خود، با اصل آزادی دولت‌ها در دریاها بود. فُک‌های برینگ با رفت و آمد خود در این دو قلمرو ملی و بین‌المللی، موجب بروز اختلاف میان این دو کشور شدند.^{۹۸} از آن زمان تاکنون قواعد بهره‌برداری از گونه‌های مهاجر تغییر و تکامل پیدا کرده است.^{۹۹}

بر اساس کنوانسیون^{۱۰۰}، شکار و صید گونه‌های پیوست (۱)، به‌صراحت بند پنجم ماده‌ی ۳، مطلقاً ممنوع است.^{۱۰۱} بنابراین دولتی که این گونه‌های وحشی به قلمرو تحت

۹۷. پس از این که آمریکا سرزمین آلاسکا را از روسیه به قیمت ۷/۲ میلیون دلار در سال ۱۸۶۷ خریداری کرد، شکارچیان پوست برای صید راسو، سمور و فُک به این منطقه هجوم آوردند. از سوی دیگر قایق‌های صید فُک از استان بریتیش کلمبیای کانادا، که متعلق به انگلیس بود، طبق روال پیشین به صید در آب‌های برینگ مشغول بودند. در چند مورد این قایق‌ها توسط آمریکایی‌ها توقیف و صیادان مجازات شدند. در پی تکرار این رویدادها و بی‌توجهی دولت آمریکا به اعتراض انگلستان، نهایتاً طرفین، حل اختلاف را با امضای قراردادی در فوریه‌ی ۱۸۹۲ به دادگاه داوری ارجاع نمودند.

۹۸. طرفین توافق کردند که اختلاف را به دادگاه داوری ارجاع نمایند. دادگاه داوری، ادعای آمریکا را رد کرد و اعلام داشت که اگرچه فُک‌ها مدتی را در جزایر متعلق به آمریکا می‌گذرانند اما اگر فراتر از قلمرو سه مایلی یافت شوند از صلاحیت دولت آمریکا خارج شده و انگلستان می‌تواند آن‌ها را صید کند. در واقع دادگاه داوری بر ماهیت حقوقی دوگانه‌ی دریا صحه گذاشت. دادگاه خصلت مهاجر بودن فُک‌ها را در تصمیم خود دخالت نداد و ملاک تعلق آن به دولت را، محلی دانست که صید می‌شوند. بنا بر نظر دادگاه، اگر فُک‌ها از نوار باریک دریای سرزمینی خارج شوند، کشتی‌های انگلیسی و آمریکایی موقعیت حقوقی برابری جهت شکار آن‌ها خواهند داشت. رک.

Bering Sea Fur Seals Fisheries Arbitration (Great Britain v. United States) (1893), Moore's International Arbitration (1893) 755.

۹۹. بهره‌برداری مستقیم از گونه‌های مهاجر اغلب به صورت شکار و صید جلوه می‌کند، اما به طور قطع و یقین استفاده از گونه‌های مهاجر و به‌طور کلی استفاده از تنوع زیستی، به شکار و بهره‌برداری مستقیم از آن‌ها محدود نمی‌شود و می‌توان با حفظ بقا و بدون کشتن نیز، از آن‌ها بهره‌ی اقتصادی برد و منتفع شد.
۱۰۰. مگر در شرایط نادر و محدودی به‌منظور انجام پژوهش‌های علمی یا شکار بومیان؛ که این استثنایا در کنوانسیون ذکر شده‌اند.

حاکمیت آن وارد شده‌اند، مجاز نیست با توسل به اصل حاکمیت دولت‌ها بر منابع طبیعی، به شکار و صید آن‌ها پردازد. این اصل در مورد گونه‌هایی که در پیوست (۱) آمده‌اند قابل اجرا نمی‌باشد. اما در مورد شکار و صید گونه‌های پیوست (۲) چنین ممنوعیتی وجود ندارد. از مفاد ماده‌ی ۵ کنوانسیون استنباط می‌شود که شکار گونه‌های پیوست (۲) ممنوع نیست، اما باید تحت نظارت قرار گیرد و محدود شود. این ماده راه‌بردهای تنظیم موافقت-نامه‌های حمایت از گونه‌های مهاجر را مقرر می‌کند که، اجازه شکار از آن قابل استنباط است. به موجب ردیف‌های «ی» و «ک» بند چهارم این ماده، باید در هر موافقت‌نامه‌ی حمایت از یک گونه‌ی خاص، انجام اقدام‌هایی پیش‌بینی شوند که بر اصول اکولوژیکی لازم برای مدیریت شکار و صید گونه‌ی مهاجر مبتنی باشد؛ و نیز روش‌هایی برای اقدام هماهنگ جهت ممانعت از شکار و صید غیرقانونی تدوین شوند. بنابراین شکار قانونی گونه‌های پیوست (۲) به‌طور تلویحی، مجاز دانسته شده است؛ البته تا میزانی مجاز است که وضعیت زیستی گونه‌ی مهاجر به‌صورت نامطلوبی در نیاید.^{۱۰۱}

در مورد گونه‌های خشکی‌زی تنها معاهده‌ای که بهره‌برداری از گونه‌های مهاجر را محدود می‌کند، کنوانسیون بن است. اما در مورد گونه‌های دریازی علاوه بر کنوانسیون بن، معاهدات دیگری نیز تنظیم شده‌اند که حمایت از این دسته از گونه‌های مهاجر را تحت پوشش قرار می‌دهند. گونه‌های مهاجر دریازی را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد. برخی از گونه‌ها مانند ماهی آزاد در آب‌های شیرین، یعنی رودخانه‌ها، تخم‌گذاری می‌کنند، ولی قسمت عمده‌ی حیات خود را در دریا می‌گذرانند که به آنان رودزاد^{۱۰۲} می‌گویند. کشوری

۱۰۱. شکار و حتی صید پرندگان نظیر اردک سرسبز، خودکا و چنگر که در پاییز و زمستان به ایران می‌آیند، در گیلان و مازندران بیش‌تر مرسوم است و عرضه‌ی آن برای فروش را می‌توان در برخی بازارهای محلی، به‌ویژه در بازار انزلی شاهد بود. سازمان محیط‌زیست نیز همه ساله اجازه‌ی شکار برخی از گونه‌های مرغابی‌سانان را به تعداد مشخص و در طول شش ماهه‌ی دوم سال، از طریق اعطای پروانه‌ی شکار به شکارچیان مجاز، صادر می‌کند. در پروانه‌های صادره از سوی ادارات محیط‌زیست قید می‌شود که شکار پرندگان حمایت شده مانند اردک سرسفید، اردک مرمی و گیلانشاه خالدار ممنوع است.

102. Anadromous.

که در رودخانه‌های آن تخم‌گذاری انجام می‌گیرد علی‌الاصول مسئول مدیریت آن‌هاست. کشور مزبور می‌تواند حد صید مجاز را تعیین کند و اجازه‌ی ورود کشتی‌های دول خارجی را به منطقه‌ی انحصاری اقتصادی برای صید مازاد این نوع ماهیان بدهد ولی تعهدی به این کار ندارد. به علاوه صید ماهی‌های مهاجر رودزاد در ماورای محدوده‌ی دویت مایل ممنوع است. در مورد ماهیان مهاجر که در دریا تخم‌گذاری ولی در آب‌های شیرین زندگی می‌کنند، و به آن‌ها گونه‌های دریازاد^{۱۰۳} می‌گویند مثل مارماهی، قواعد عمومی صید در منطقه‌ی انحصاری اقتصادی اعمال می‌شود.^{۱۰۴}

گروه سوم ماهیانی هستند که در آب‌های تحت حاکمیت ملی دولت‌ها، اعم از دریای سرزمینی و منطقه‌ی انحصاری اقتصادی، تولید مثل می‌کنند اما پس از آن به دریای آزاد باز می‌گردند یا این‌که در میان آب‌های ملی دولت‌های مختلف در گردش هستند. برای مدیریت بهره‌برداری از این گروه از ماهیان، معاهده‌ی مستقلی تنظیم شده که همان موافقت‌نامه‌ی ۱۹۹۵ نیویورک است. هدف این موافقت‌نامه تضمین حفاظت درازمدت و بهره‌برداری پایدار از ذخایر ماهیان مهاجر دور و دوکاشانه‌ای است. دولت‌ها، اعم از ساحلی و «آن‌هایی که چنین ماهیانی را صید می‌کنند»^{۱۰۵}، مکلف شده‌اند که جهت دستیابی به اهداف موافقت‌نامه، با یکدیگر همکاری کنند.

نکته‌ی جالب در موافقت‌نامه‌ی ۱۹۹۵ در این است که تعریفی از این نوع ماهی‌ها ارائه نمی‌کند. البته ماده‌ی ۶۳ کنوانسیون مونته‌نگویی، به پیوست یک آن، مشتمل بر هفده دسته از گونه‌های مهاجر، ارجاع داده است.^{۱۰۶} در آن‌جا گونه‌های مهاجری که منظور نظر

103. Catadromous.

۱۰۴. چرچیل، پیشین، ص. ۳۶۴.

105. Coastal States and States Fishing on the High Seas.

۱۰۶. گونه‌هایی از تون ماهیان مانند آلباکور، باله آبی، باله زرد، شمشیرماهی، بادبان ماهی و گونه‌هایی از دولفین‌ها و کوسه‌ها در این پیوست دیده می‌شوند. هم‌چنین نام هفت خانواده از راسته‌ی نهنگ‌ها در میان گونه‌های مهاجر ذکر شده‌اند.

کنوانسیون هستند فهرست شده‌اند، اما با توجه به اطلاق موافقت‌نامه و عدم ارجاع به پیوست کنوانسیون مونته‌گویی، به نظر می‌رسد که موضوع موافقت‌نامه به گونه‌های پیوست نخست محدود و منحصر نشود. ولی در هر صورت، این ایراد وجود دارد که شیوه و سازوکار بازنگری در فهرست پیوست نخست، پیش‌بینی نشده است. به عبارت دیگر سازوکاری که بر اساس آن امکان بازنگری و اعمال تغییرات در فهرست فراهم باشد و با توسل به آن بتوان نام گونه‌ای را به آن افزود یا از آن کاست، وجود ندارد.^{۱۰۷} در کنوانسیون‌های بن و سائیتیس بازنگری در اسامی گونه‌های مورد حمایت با تصویب کنفرانس اعضا انجام می‌شود.

آنچه مسلم است، پستان‌داران دریایی مشمول موافقت‌نامه‌ی ماهیان دوکاشانه‌ای و مهاجر دور نمی‌شوند، زیرا آن‌ها ماهی نیستند؛^{۱۰۸} ماهی در ماده‌ی ۱ موافقت‌نامه تعریف شده است.^{۱۰۹} به علاوه گونه‌های رودزاد و دریازاد نیز از شمول موافقت‌نامه خارج هستند،

۱۰۷. در کنوانسیون مونته‌گویی نهاد کنفرانس اعضا که بر اجرای مقررات آن نظارت کند، وجود ندارد. البته وفق ماده‌ی ۳۶ موافقت‌نامه تشکیل کنفرانس بازبینی (Review Conference) مقرر شده است و این کنفرانس تاکنون دو بار، در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۱۰ در نیویورک، مقر سازمان ملل، برگزار شده است. کنفرانس به ارزیابی وضعیت ذخایر ماهیان دوکاشانه‌ای و مهاجر دور می‌پردازد و سازوکار یک پیمان نهاد مانند آن‌چه در کنوانسیون بن پیش‌بینی شده است را ندارد. بنابراین نمی‌تواند در فهرست گونه‌های مهاجر پیوست نخست کنوانسیون مونته‌گویی دخل و تصرفی کند. برای اطلاعات بیش‌تر رک.

http://www.un.org/Depts/los/reference_files/new_developments_and_recent_adds.htm
m 2010-05-11.

108. Orrego Vicuna, Francisco, The Changing International Law of High Seas Fisheries, Cambridge University Press, 1st edition, 2004, p 139.

۱۰۹. بند (پ) ماده‌ی ۱: «ماهی شامل نرم‌تنان و سخت‌پوستان است، به استثنای گونه‌هایی که به خانواده‌ی غیرمهاجر تعلق دارند و طبق ماده‌ی ۷۷ کنوانسیون تعریف شده‌اند» (رک. مجموعه قوانین سال ۱۳۷۶، پیشین). البته عبارت «خانواده‌ی غیرمهاجر» برگردان نادرست و گمراه‌کننده‌ی عبارت "Sedentary Species"، یعنی گونه‌های کفزی دریا است.

زیرا همه‌ی زندگی آن‌ها در دریا نمی‌گذرد. شکار نهنگ‌ها^{۱۱۰}، که پستان‌داران بزرگ دریایی هستند، تحت نظارت کمیسیون خاصی قرار دارد که بر اساس «کنوانسیون بین‌المللی نظارت بر شکار نهنگ»^{۱۱۱} ایجاد شده است. «کمیسیون شکار نهنگ»^{۱۱۲} تا سال ۱۹۸۴ سهمیه‌ی هر کشور از انواع مختلف نهنگ‌ها را تعیین می‌کرد، اما از آن پس تصویب کرد که شکار نهنگ به مدت ده سال معلق شود؛ تعلیقی که تا به امروز تداوم داشته است. البته استثنای شکار به منظور تحقیقات علمی وجود دارد که برخی دولت‌ها، به‌خصوص ژاپن، از این حق استثنایی سوءاستفاده می‌کنند. رفتار ژاپن بالاخره سبب شد که به‌تازگی دعوایی علیه این کشور از سوی استرالیا در دیوان بین‌المللی دادگستری طرح شود.^{۱۱۳}

موافقت‌نامه‌ی ۱۹۹۵ نیویورک، دولت‌های متعاقد را مکلف می‌کند که برای مدیریت صید ماهیان مهاجر توسط کشتی‌های تحت پرچم خود، یک کمیسیون یا سازمان مدیریت شیلات منطقه‌ای تاسیس کنند یا در صورت موجود بودن چنین سازمانی به آن بپیوندند و چنان‌چه نیاز است، تغییرات لازم را در جهت اهداف موافقت‌نامه به‌عمل آورند.

←

ماهی از حدود چهارصد و پنجاه میلیون سال پیش وجود داشته است. ماهی‌ها به سه رده تقسیم می‌شوند که شامل ماهی‌های استخوانی (مانند قزل‌آلا و تون)، ماهی‌های غضروفی (کوسه و سفره ماهی) و ماهی‌های بی‌آرواره (مانند دهان گردان) می‌شود. در مجموع سی هزار گونه ماهی شناسایی شده است که در اقیانوس‌ها، دریاچه‌ها و رودخانه‌ها زندگی می‌کنند. بنابراین نرم‌تنانی چون صدف و هشت پا و سخت پوستانی مانند خرچنگ و میگو اگرچه در آب زندگی می‌کنند در زمره‌ی ماهی‌ها قرار نمی‌گیرند. رک. ریان، فرانسیس و دیگران، جانوران، ترجمه‌ی زهرا عمادزاده، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ یکم، ۱۳۸۷، ص. ۱۳۶

۱۱۰. معمولاً برای نهنگ به جای صید (Fishing) از واژه‌ی شکار (Whaling) استفاده می‌شود.

111. International Convention for the Regulation of Whaling (1946).

112. International Whaling Commission.

113. Press Release No. 2010/16, 1 June 2010, available at: <http://www.icj-cij.org> 2010-06-11.

به‌طور معمول، سهمیه‌ی سالیانه‌ی هر دولت از ذخایر ماهی‌های مهاجر در این کمیسیون‌ها تعیین می‌شود. به علاوه در برخی از موارد روش‌های صید، مناطق ممنوعه و فصول مجاز صید نیز تعیین می‌شود. معمولاً تصمیم‌گیری با رای اکثریت دولت‌های عضو است. اغلب کمیسیون‌های مدیریت شیلات منطقه‌ای، دارای کمیته‌ی علمی هستند که میزان کل ذخایر قابل صید سالانه را تعیین می‌کنند.^{۱۱۴} در میان گونه‌های مهاجر، بیش‌تر از همه درباره‌ی صید تون ماهیان، کمیسیون شیلات منطقه‌ای تاسیس شده است.^{۱۱۵} جدیدترین آن‌ها کمیسیونی است که با هدایت فائو در محدوده‌ی اقیانوس هند تشکیل گردید و ایران هم در آن عضویت دارد. کمیسیون تون ماهیان اقیانوس هند در سال ۱۹۹۶ برپا شد.^{۱۱۶} کمیسیون فقط صید تون ماهیان را سامان‌دهی می‌کند. این کمیسیون فقط مناطق بین‌المللی را تحت پوشش قرار می‌دهد و درباره‌ی مناطق تحت صلاحیت ملی کشورهای عضو، اختیاراتی ندارد. در حالی که با توجه به وسعت اقیانوس هند، غالب دولت‌های کرانه‌های این پهنه‌ی آبی از حداکثر منطقه‌ی انحصاری اقتصادی بهره‌مندند،^{۱۱۷} بنابراین ضروری می‌نمود که برای مدیریت بهینه‌ی صید و حفاظت از ماهی‌های تون، مناطق ملی هم تحت پوشش کمیسیون قرار می‌گرفتند.

114. DeSombre, op.cit., p. 85.

۱۱۵. از دیگر کمیسیون‌ها، می‌توان به کمیسیون آمریکایی تون ماهیان استوایی (۱۹۵۹)، کمیسیون بین‌المللی حفاظت از تون ماهیان اطلس (۱۹۶۹) و کمیسیون حفاظت از تون باله آبی جنوبی (۱۹۹۴) اشاره داشت.
۱۱۶. دولت ایران به‌موجب قانون موافقت‌نامه‌ی تاسیس کمیسیون تون ماهیان اقیانوس هند، مصوب ۱۳ آبان ۱۳۸۰، به این کمیسیون وارد شد. نکته‌ای که بیان آن جالب توجه است، توضیح قانونی است که از سوی مجلس در ماده واحده‌ی تصویب موافقت‌نامه مقرر شده است، به این ترتیب که: «الحاق به موافقت‌نامه‌ی حاضر به معنای الحاق و پذیرش کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای می‌باشد». این امر بدیهی است که الحاق به آن کنوانسیون نیازمند پذیرش صریح آن از سوی دولت ایران و تصویب جداگانه است. وانگهی اگر بیم چنین برداشتی می‌رفت، اظهار آن در هنگام تصویب موافقت‌نامه ۱۹۹۵ نیویورک توسط مجلس در مهرماه ۱۳۷۶، موجه‌تر به نظر می‌رسید، در حالی که هیچ توضیح اضافی قانونی در این مصوبه وجود ندارد.
۱۱۷. حداکثر عرض منطقه‌ی انحصاری اقتصادی دویست مایل است که فقط برخی از کشورها می‌توانند از آن برخوردار شوند.

برخی از کمیسیون‌های منطقه‌ای شیلات، تمام گونه‌های آبی را تحت پوشش قرار می‌دهند؛ به‌طور مثال درباره‌ی صید در خلیج فارس و دریای عمان کمیسیون ماهی‌گیری توسط کشورهای کرانه‌ای این دو دریا ایجاد شده است.^{۱۱۸} با توجه به هم‌پوشانی منطقه‌ای انحصاری اقتصادی هر یک از این کشورها با کشورهای مجاور و مقابل، موضوع فعالیت این کمیسیون فقط آب‌های تحت صلاحیت ملی ایران و هفت کشور دیگر است.^{۱۱۹} موضوع این معاهده طبق ماده‌ی ۳ آن، ارتقای توسعه، حفاظت، مدیریت منطقه‌ی و بهترین استفاده از منابع زنده‌ی دریایی و گسترش آبی‌پروری در این دریای نیمه بسته است. اما در این معاهده هیچ اشاره‌ای به ماهی‌های مهاجر و دوکاشانه‌ای نمی‌شود در حالی که گونه‌های متعددی از آبزیان خلیج فارس و دریای عمان در زمره‌ی گونه‌های مهاجر هستند.

در مجموع همان‌طوری که ملاحظه شد، درباره‌ی بهره‌برداری از گونه‌های مهاجر دریایی، سازمان‌های منطقه‌ای تشکیل شده‌اند که در آن‌جا میزان سهمیه‌ی صید هر دولت تعیین می‌شود و در کنار آن درباره‌ی روش‌های صید و فصول مجاز صید تصمیم‌گیری می‌شود. این کمیسیون‌ها در مواردی مناطق ملی دولت‌های عضو را زیر نظر دارند و در مواردی صید در دریای آزاد را به نظم درآورده‌اند. اما در مورد گونه‌های مهاجر خشکی-زی میان کشورهای مسیر مهاجرت، چنین سازوکاری پیش‌بینی نشده است. کشورهای مسیر

118. Agreement for the Establishment of the Regional Commission for Fisheries (RECOFI).

۱۱۹. دولت ایران در ۱۳ مرداد ۱۳۸۰ این موافقت‌نامه را تصویب کرد و عضو کمیسیون شد. جهت پرهیز از به‌کارگیری نام خلیج فارس در این پیمان بین‌المللی، قلمرو زیر پوشش آن، هم‌چون کنوانسیون ۱۹۷۸ کویت، با اعلام مختصات جغرافیایی مشخص شده است. چنان‌که در مقدمه آمده است، قلمرو اجرای این پیمان، فقط آب‌های داخلی را شامل نمی‌شود: «دولت‌های ایران و ... با برخورداری از منافع متقابل برای توسعه و بهره‌برداری صحیح از ذخایر زنده‌ی دریایی در محدوده‌ی دریایی، به استثنای آب‌های داخلی، در منطقه‌ای تعریف شده در ماده‌ی (۴) که از این پس «محدوده» نامیده می‌شود ...»؛ اما دریای سرزمینی و منطقه‌ی انحصاری اقتصادی را در بر می‌گیرد. (رک. مجموعه قوانین سال ۱۳۸۰، روزنامه‌ی رسمی، صص. ۱۰۴۹-۱۰۴۱).

مهاجرت، مانند آنچه در کمیسیون‌های شیلات معمول است، درباره‌ی میزان جانوران مهاجری که در سرزمین‌شان شکار شده‌اند به یک سازمان منطقه‌ای یا بین‌المللی گزارش نمی‌دهند و به‌طور مثال برای شکار سالانه‌ی پرندگان وحشی که در وضعیت رو به انقراض قرار ندارند اما نیازمند حمایت هستند، مانند اردک سرسبز و خودکا، سازکاری نظارتی برپا نشده است که سهمیه‌ی هر دولت از میزان شکار را مشخص نماید.

به نظر می‌رسد دلیل این که سازوکار مشابهی درباره‌ی بهره‌برداری از گونه‌های مهاجر دریازی در مورد گونه‌های مهاجر خشکی‌زی ایجاد نشده است، این باشد که صید آبریان در سطح گسترده و به صورت تجاری انجام می‌شود، اما شکار پرندگان به‌طور عمده به صورت محدود و اغلب با انگیزه‌ی تفریحی صورت می‌گیرد و از جنبه‌ی اقتصادی چندان واجد اهمیت نیست. اما چون از حیث حفظ تنوع زیستی جانوری و تعادل اکولوژیکی، حمایت از گونه‌های مهاجر خشکی‌زی ضروری و نیازمند همکاری بین‌المللی است، بنابراین تشکیل سازمان‌های منطقه‌ای نظارت بر شکار گونه‌های مهاجر خشکی‌زی لازم به نظر می‌رسد. از این رو به نظر لازم است که دولت‌ها با الگوبرداری از سازمان‌های شیلات منطقه‌ای، درباره‌ی پرندگان قابل شکار مهاجر نیز سازمان‌های مشابهی تاسیس نمایند که بر میزان و روش‌های شکار نظارت کند و کشورهای مسیر مهاجرت برای بهره‌برداری از آن‌ها با یکدیگر، همکاری کنند.

نتیجه‌گیری

بسیاری از انواع ماهی‌ها و پرندگان مهاجرند. گونه‌های مهاجر، ساکن یک سرزمین و تحت حاکمیت یک کشور نیستند. آن‌ها به دفعات و به صورت دوره‌ای، مسلماً به پیروی از یک نظم طبیعی و اکولوژیکی، زیست‌گاه‌های خود را تغییر می‌دهند. اگر دست کم یکی از این زیست‌گاه‌ها در کشور دیگری باشد، گونه‌ی مهاجر تحت حاکمیت یک کشور نخواهد بود. گاهی نیز مسیر مهاجرت یک گونه چنان طولانی است که از فراز ده‌ها کشور می‌گذرد. در مواردی نیز گونه‌ی مهاجر از مناطق بین‌المللی به سرزمین‌های تحت حاکمیت ملی مهاجرت می‌کند؛ مانند برخی گونه‌های نهنگ که میان دریای آزاد و دریای سرزمینی کشورها در رفت و آمد هستند. در هر صورت، چون زندگی این گونه‌ها در چندین کشور می‌گذرد و نمی‌توان آن‌ها را تحت حاکمیت یک کشور درآورد، شایسته است آن‌ها را گونه‌های جهان وطن یا جهانی نامید.

یکی از حقوق‌دانان معتقد است که گونه‌های مهاجر در زمره‌ی «منفعت مشترک بشریت»^{۱۲۰} جای دارند.^{۱۲۱} عدم تعلق به سرزمینی خاص، آن‌ها را به منفعت مشترک بشریت تبدیل کرده است. کنوانسیون^{۱۲۲} با حمایت از گونه‌های مهاجر، بخشی از تنوع زیستی دنیا را تحت پوشش قواعد خاص خود قرار داده است. این بخش متعلق به جامعه‌ی بین‌المللی است. این بخش از تنوع زیستی، در اختیار انحصاری دولت‌ها نیست و در مورد گونه‌های پیوست (۱) که شکارشان به طور مطلق ممنوع است، باید گفت که به تمامی بشریت تعلق دارند. درباره‌ی پیوست (۲) نیز دولت‌های مبدأ، مقصد و مسیر مهاجرت تکلیف به مراقبت از گونه‌ها دارند و مجاز هستند بر شکار آن‌ها نظارت کنند. شکار و صید آن‌ها در صورتی پذیرفتنی است که در قالب بهره‌برداری پایدار بگنجد. با در نظر گرفتن نگرش‌های کنونی،

120. Common Interest of Mankind.

121. Taylor, Prue, An Ecological Approach to International Law, Responding to Challenges of Climate Change, Routledge, 1998, p. 279.

می‌توان گونه‌های مهاجر را متعلق به جامعه‌ی بین‌المللی دانست. به عقیده‌ی یکی از حقوق‌دانان، کنوانسیون ۱۹۷۹^{۱۲۲}، در مقدمه‌ی خود به‌طور ضمنی، تایید می‌کند که حمایت از گونه‌های مهاجر «نگرانی مشترک بشریت»^{۱۲۳} است، اگرچه این مفهوم به‌صراحت در آن سند به کار نرفته باشد.^{۱۲۴} این برداشت حقوقی از این حیث اهمیت دارد که در زمان انعقاد کنوانسیون، مفهوم نگرانی مشترک بشریت و میراث مشترک بشریت شکل نگرفته بودند. به علاوه، دولت‌ها در فراز دوم از مقدمه‌ی کنوانسیون بن‌اعلام می‌کنند که منابع طبیعی کره‌ی زمین میراثی^{۱۲۵} است که به نسل‌های کنونی و آینده تعلق دارد.

دلیل دیگری که بین‌المللی بودن گونه‌ی مهاجر را تایید می‌کند، این است که در معاهدات زیست‌محیطی، همواره مشاهده می‌شود که در کنار دعوت به همکاری و مشارکت دولت‌ها و ایجاد التزاماتی در جهت حمایت از محیط‌زیست، در یک ماده‌ی مجزا بر «اصل حاکمیت دولت‌ها» تاکید می‌شود و در مواردی برتری آن بر مقررات کنوانسیون مزبور اعلام می‌شود. اما نکته‌ی حایز توجه در کنوانسیون^{۱۲۶} بن، نبود چنین ماده‌ای است. ماده‌ی ۲ کنوانسیون در مقام بیان اصول بنیادی معاهده، از همکاری دولت‌ها، اقدام هماهنگ و انعقاد موافقت‌نامه‌های جانبی نام می‌برد، اما به حاکمیت ملی اشاره‌ای نمی‌کند. در حالی که به‌طور مثال در کنوانسیون تنوع زیستی مشاهده می‌شود که حقوق حاکمیتی دولت‌های طرف معاهده، با وجود مقید کردن آن به محدودیت‌های بین‌المللی و رعایت معیارهای زیست‌محیطی، هم‌چنان مورد توجه است و یک ماده از کنوانسیون به آن اختصاص یافته است.^{۱۲۷}

۱۲۲. "Common Concern of Humankind" به معنای نگرانی مشترک بشریت، نخستین بار در کنوانسیون‌های ۱۹۹۲ تنوع زیستی و تغییرات آب و هوایی به کار رفت.

123. Shelton, Dinah, Common concern of Humanity, *Iustum Aequum Salutare*, V. 2009/1., p. 36.

124. Legacy.

۱۲۵. ماده‌ی ۳ کنوانسیون تنوع زیستی.

در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که حاکمیت دولت نسبت به گونه‌های مهاجر بسیار محدود شده است و این دسته از تنوع زیستی، تحت حمایت جامعه‌ی بین‌المللی قرار گرفته‌اند.

آنچه که از بررسی معاهدات راجع به حمایت از گونه‌های مهاجر به دست می‌آید این است که در همه‌ی این معاهدات دولت‌ها مکلف شده‌اند که برای حفاظت و بهره‌برداری از آن‌ها با یکدیگر همکاری نمایند. بدون همکاری و مشارکت دولت‌ها و نظارت بر تصمیمات جمعی که گرفته می‌شود، حفاظت از گونه‌ی مهاجر نتیجه‌ای نخواهد داشت. این همکاری در کنفرانسی که کشورهای عضو کنوانسیون بن به‌طور منظم برگزار می‌کنند و نیز بر اساس قراردادهای جانبی منعقد دربارهی گونه‌های خاص مهاجر و هم‌چنین در مورد گونه‌های مهاجر دریایی، با تشکیل کمیسیون‌های شیلات، متبلور شده است.

با توجه به این که در قوانین ایران به پدیده‌ی مهاجرت گونه‌های وحشی توجهی نشده است، ضرورت دارد که در پرتو دو معاهده‌ی اصلی مربوط به گونه‌های مهاجر، یعنی کنوانسیون ۱۹۷۹ بن و موافقت‌نامه‌ی ۱۹۹۵ نیویورک، قانون مناسب وضع شود. هم‌چنین شایسته است که دولت ایران از راه‌های دیپلماتیک، کشورهای کرانه‌های خلیج فارس و دریای عمان را تشویق نماید که به این دو معاهده ملحق شوند^{۱۲۶} و کشورهای همسایه‌ای که به کنوانسیون بن ملحق نشده‌اند،^{۱۲۷} و سرزمین‌شان در مسیر مهاجرت پرندگان مهاجری قرار دارد که نام‌شان در پیوست‌های دوگانه‌ی کنوانسیون آمده، به کنوانسیون ملحق شوند.

۱۲۶. عراق، کویت، قطر، بحرین، امارات متحده‌ی عربی و عمان کشورهایی هستند که هنوز کنوانسیون بن را تصویب نکرده‌اند. عراق، کویت، عربستان سعودی، قطر، بحرین و امارات متحده‌ی عربی موافقت‌نامه‌ی ماهی‌های مهاجر را تصویب نکرده‌اند.

۱۲۷. افغانستان، ترکمنستان، آذربایجان، ارمنستان و روسیه کنوانسیون بن را تصویب نکرده‌اند. البته برخی از قراردادهای جانبی حمایت از گونه‌های خاص را امضا کرده و پذیرفته‌اند.

فهرست منابع

۱. امیر ارجمند، اردشیر، «کنفرانس ملل متحد راجع به ذخایر ماهی‌های دوکاشانه‌ای و ماهی‌های مهاجر دور و موافقت‌نامه اوت ۱۹۹۵»، مجله‌ی تحقیقات حقوقی، شماره‌ی ۱۶ و ۱۷، سال ۱۳۷۵.
۲. بیگ زاده، ابراهیم، «جزوه‌ی حقوق بین‌الملل عمومی»، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۴.
۳. بوتکین، دانیل و کلر، ادوارد، شناخت محیط‌زیست: زمین سیاره زنده، ترجمه‌ی عبدالحسین وهاب زاده، جهاد دانشگاهی مشهد، چاپ چهارم، ۱۳۸۶.
۴. چرچیل، رایین و لو، آلن، حقوق بین‌الملل دریاها، ترجمه‌ی بهمن آقایی، انتشارات کتابخانه‌ی گنج دانش، چاپ یکم، ۱۳۷۷.
۵. دِکلم، کیبرال و شین، کلیر، حقوق محیط‌زیست، ترجمه‌ی محمدحسن حبیبی، جلد سوم، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.
۶. ریان، فرانسیس و دیگران، جانوران، ترجمه‌ی زهرا عمادزاده، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ یکم، ۱۳۸۷.
۷. شلتون، دینا و کیس، الکساندر، کتابچه قضایی حقوق محیط‌زیست، ترجمه و تحقیق محسن عبدالهی، انتشارات خرسندی، چاپ یکم، ۱۳۸۹.
۸. فیروز، اسکندر، حیات وحش ایران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ یکم، ۱۳۷۸.
۹. منصوری، جمشید، کلیات پرنده شناسی، سازمان حفاظت محیط‌زیست، انتشارات سازمان حفاظت محیط‌زیست، چاپ یکم، ۱۳۶۹.
۱۰. ویسلون، ادوارد، تنوع حیات، ترجمه‌ی عبدالحسین وهاب زاده، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد، چاپ یکم، ۱۳۸۴.
11. DeKlem, Cyrille, "The Problem of Migratory Species in International Law", in Helge Ole Bergesen and Georg Parmann (eds), **Green Globe Yearbook of**

- International Co-operation on Environment and Development**, Oxford University Press, 1st edition, 1994.
12. DeSombre, Elizabeth R., **Global Environmental Institutions**, Routledge, 1st edition, 2006.
13. Encyclopedia Britannica, 15th edition, 2005.
14. Orrego, Vicuna, Francisco, **The Changing International Law of High Seas Fisheries**, Cambridge University Press, 1st edition, 2004.
15. Park, Chris, **Oxford Dictionary of Environment and Conservation**, Oxford University Press, 1st edition, 2007.
16. Sands, Philippe, **Principles of International Environmental Law**, Cambridge University Press, 2nd edition, 2003.
17. Secretariat of the Convention on Biological Diversity, **Handbook of the Convention on Biological Diversity**, 3rd edition, 2005.
18. Shelton, Dinah, Common concern of Humanity, **Iustum Aequum Salutare**, V. 2009/1.
19. Tanaka, Yoshifumi, **A Dual Approach to Ocean Governance The Cases of Zonal and Integrated Management in International Law of the Sea**, Ashgate Publishing Limited, 1st edition, 2008.
20. Taylor, Prue, **An Ecological Approach to International Law, Responding to Challenges of Climate Change**, Routledge, 1st edition, 1998.
21. Vagg, Robert, **CMS Family Guide, Species**, United Nations Environment Programme (UNEP) and the Secretariat of the Convention on the Conservation of Migratory Species of Wild Animals (CMS), Third edition, 2009.

22. UNEP / CMS Secretariat, **A BIRD's EYE VIEW on Flyways: A brief tour by the Convention on the Conservation of Migratory Species of Wild Animals**, 1st edition, 2009.
23. Wang, James C. F., Handbook of Ocean Politics and Law, Greenwood Press, 1992.